



فهرست مطالب

مجموعه کتاب‌های

سیر تا پیاز

آموزش	۵
سؤالات تشریحی	۱۱۳
پاسخنامه سؤالات تشریحی	۱۴۱
سؤالات تستی	۱۴۸
پاسخنامه سؤالات تستی	۱۹۲



آموزش

سیر تا پیاز

۶	ستایش: یاد تو
۹	فصل اول: زیبایی آفرینش
۲۳	فصل دوم: شکفتن
۳۳	فصل آزاد: ادبیات بومی (۱)
۳۴	فصل سوم: سبک زندگی
۵۵	فصل چهارم: نام‌ها و یادها
۷۷	فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی
۹۹	فصل آزاد: ادبیات بومی (۲)
۱۰۲	فصل ششم: ادبیات جهان

ستایش یاد تو

واژه‌نامه

ستایش: یاد تو

★ اساس: پایه، بنیاد	★ سرآغاز: اول هر چیز، شروع
★ بینایی: توانایی درک حقیقت، بصیرت	★ عنایت: بخشش، لطف، توجه، احسان
★ توفیق: سازگاری، موافقت	★ کارگشا: حل‌کننده مشکلات، آسان‌کننده کارها
★ دانایی: خردمندی، آگاهی	★ مونس: همدم، یار
★ درازدستی: ستمگری، زورگویی	★ ناموده: آشکارنشده، پنهان
★ دست‌آویز: آنچه از آن کمک می‌گیریم.	★ هست‌کن: به‌وجود آورنده
★ روان: روح، جان	

هم‌خانواده‌ها

★ اساس: مؤسس، مؤسسه، تأسیس	★ توفیق: موفق، موافق، توافق	★ جمله: اجمال، مجمل
★ حق: حقیقت، احقاق، محق	★ ظلمت: ظلم، ظالم، مظلوم	★ مونس: انس، انیس، مؤانست

متضادها

استوار ≠ سست	آشنا ≠ غریب	پربشان ≠ جمع
پیدا ≠ پنهان	چاه ≠ راه	دانا ≠ جاهل
رهایی ≠ اسیری	سرآغاز ≠ خاتمه	کوتاه ≠ بلند

واژگان مهم املائی

سرآغاز و ابتدا - مونس و یار - کارگشا - اساس و پایه - قصه - عنایت الهی - ظلمت و تاریکی - توفیق الهی - دست‌آویز - استوار و پایدار - فروغ و روشنایی - حق

ستایش: یاد تو

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو، نامه کی کنم باز؟

معنی: ای خدایی که نام تو بهترین شروع برای کارهاست، بدون ذکر نام تو چگونه کتابم را آغاز کنم؟

بررسی دستوری: بیت سه جمله دارد — ای (حرف ندا که منادای آن «خدا» حذف شده است). - نام تو بهترین سرآغاز («است» فعل جمله شبه‌جمله) جمله اول

حذف شده است) - بی نام تو نامه کی کنم باز

جمله سوم

بررسی ادبی: تکرار واژه «نام» و «تو» / قافیه (سرآغاز، باز) / نامه، سرآغاز (تناسب)

ای یاد تو مونسِ روانم جز نام تو، نیست بر زبانم

معنی: ای خدایی که یاد تو همدم روح من است، به غیر از نام تو، نام دیگری بر زبانم جاری نمی‌شود.

بررسی دستوری: بیت سه جمله دارد — ای (حرف ندا که منادای آن «خدا» حذف شده است). — یاد تو مونسِ روان من («است» فعل جمله

جمله اول (شبه‌جمله) جمله اول

جمله دوم

دوم حذف شده است). — جز نام تو بر زبانم نیست / م در واژه «روانم» و «زبانم» مضاف‌الیه است.

جمله سوم

بررسی ادبی: تکرار واژه «تو» / قافیه (روانم و زبانم) / روان و زبان (تناسب)

ای کارگشای هر چه هستند نام تو، کلید هر چه بستند

معنی: ای خدایی که حل‌کننده همه مشکلات هستی، نام تو مانند کلیدی است که تمام درهای بسته را باز می‌کند.

بررسی دستوری: بیت سه جمله دارد — ای (حرف ندا که منادای آن «خدا» حذف شده است). — کارگشای هر چه هستند — نام تو کلید هر چه

بستند/ کارگشا (کار + گشا) اسم غیرساده

جمله دوم

جمله سوم

بررسی ادبی: تشبیه (نام تو: مشبه، کلید: مشبه‌به) / تکرار واژه «هر چه»

قافیه (هستند، بستند) / کلید، بستن (تناسب)

ای هست‌کنِ اساسِ هستی کوتاه ز دَرْت، درازدستی

معنی: ای آفریننده و خالق جهان آفرینش، ظلم و ستم از درگاه تو دور است.

بررسی دستوری: بیت دو جمله دارد — مصرع اول (شبه‌جمله (منادا)) یک جمله و مصرع دوم جمله دوم محسوب می‌شود.

ای (حرف ندا)، هست‌کنِ اساسِ هستی (منادا) / درازدستی: غیرساده (دراز + دست + ی)

هست‌کن: غیرساده (هست + کن) / کوتاه مخفف کوتاه است. / ضمیر ت در واژه «درت»: در تو نقش مضاف‌الیهی دارد.

بررسی ادبی: تضاد بین واژه‌های «کوتاه» و «دراز» / کنایه (کوتاه شدن دست: اجازه نداشتن برای انجام کاری) / قافیه (هستی، دستی)

هم قصه نانموده، دانی هم نامه نانوشته، خوانی

معنی: خداوندا، تو هم داستانی را که هنوز آشکار نشده است، می‌دانی و هم از کتابی که نوشته نشده، آگاه هستی.

بررسی دستوری: هر مصرع یک جمله است و کل بیت دو جمله دارد. / نهاد در هر دو جمله، «تو» است.

بررسی ادبی: تکرار واژه «هم» / قافیه — (دانی، خوانی) / قصه، نامه، خواندن — تناسب

هم تو، به عنایت الهی آن‌جا، قدم رسان که خواهی

معنی: تو با لطف و توجه خاص خودت، مرا به آن‌جا که دوست داری (سزاوار و شایسته می‌دانی) راهنمایی کن.

بررسی دستوری: بیت دو جمله دارد — هم تو به عنایت الهی آن‌جا قدم رسان که خواهی / نهاد هر دو جمله «تو» است. / م در «قدم» نقش

جمله اول

جمله دوم

مضاف‌الیهی دارد.

بررسی ادبی: قافیه (الهی، خواهی)



آدم‌آهنی، با شجاعت، بادی در گلو انداخت و می‌خواست بگوید:

معنی: آدم‌آهنی با شجاعت و با غرور می‌خواست بگوید:

بررسی ادبی: باد در گلو انداختن کنایه از: مغرور شدن

فقط مثل فرفره به دور خود می‌چرخید.

ویتاتو ژیلینسکای، مترجم: ناهید آزادمنش

بررسی ادبی: تشبیه: شاپرک (مشبه)، فرفره (مشبه‌به)، مثل (ادات تشبیه)، چرخیدن (وجه‌شبه)

اعلام

ویتاتو ژیلینسکای: خانم ویتاتو در سال ۱۹۳۲ میلادی در ویلینوس پایتخت لیتوانی به دنیا آمده و در آنجا زندگی کرده است. وی کتاب‌های زیادی منتشر کرده است که نه تنها در میان مردم لیتوانی، بلکه در روسیه و کشورهای دیگر علاقه‌مندان زیادی پیدا کرده است. قهرمان بسیاری از قصه‌های او حشرات کوچک، کرم‌ها و پروانه‌ها هستند. او شعر هم سروده است و داستان‌های فکاهی، رمان و نمایش‌نامه نیز دارد. کتاب «ملخ شجاع» او در بردارنده چهار داستان به نام‌های ملخ شجاع، دانه برفی که آب نشد، کرم کنجکاو و آدم‌آهنی و شاپرک است.

دانش‌های زبانی و ادبی

نکته

۱) **فعل آینده (مستقبل):** در درس‌های گذشته با زمان‌های ماضی و مضارع آشنا شدید. در این درس با زمان آینده یا مستقبل آشنا می‌شویم. قبلاً آموختیم زمان فعل را از بُن آن تشخیص می‌دهیم. برای زمان آینده بُن خاصی وجود ندارد، بلکه فعل آینده از ترکیب بن مضارع فعل خواه+شناسه+بن ماضی فعل اصلی ساخته می‌شود.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

ساخت شش‌گانه فعل آینده از مصدر «رفتن»

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	خواهم رفت	خواهیم رفت
دوم شخص	خواهی رفت	خواهید رفت
سوم شخص	خواهد رفت	خواهند رفت

۲) **رمز و نماد:** گاهی برخی واژه‌ها غیر از معنای اصلی خودشان نماینده یک مفهوم بزرگ‌تر هم هستند، اما این نماینده‌بودن نه به علت شباهت دقیق میان دو چیز است، بلکه از راه اشاره نامعلوم یا قرارداد است. به این واژه‌ها «نماد» یا «رمز» گفته می‌شود و به متن‌هایی که این واژه‌ها در آن‌ها استفاده شده باشد، «رمزی» یا «نمادین» می‌گویند.

برای مثال:

کوه	نماد	استقامت
شب	نماد	ظلم و ستم
گل سرخ	نماد	عشق و طراوت
سرو	نماد	آزادگی و زیبایی و قامت بلند
زیتون	نماد	صلح
خفاش	نماد	شومی
آسمان	نماد	ایثار و بخشندگی
آینه	نماد	صفا و پاکی
درخت سپیدار	نماد	بی‌حاصلی
لاله	نماد	شهید
طاووس	نماد	زیبایی و غرور

خودارزیابی

۱ چرا آدم آهنی از شاپرک خوشش آمد؟

زیرا او با بقیهٔ بازدیدکنندگان فرق داشت، او آدم آهنی را دوست داشت و او را تروم عزیز صدا می کرد.

۲ چرا آدم آهنی پس از مرگ شاپرک به سوالات جواب درست نمی داد؟

زیرا از مرگ شاپرک ناراحت بود و این که نتوانسته بود او را نجات دهد، باعث ناراحتی و غم او شده بود.

۳ آخرین جملهٔ درس، چه پیامی دارد؟

تأثیر محبت بسیار عمیق و شگفت آور است، محبت خالص و بدون آرایش می تواند حتی تکه ای آهن را تغییر دهد.

کار گروهی

دربارهٔ شخصیت های داستان این درس گفت و گو کنید.

آدم آهنی بنابه آنچه طراحی شده بود، فقط جواب های تکراری می داد.

شاپرک که محبتی خالصانه به آدم آهنی داشت.

خفاش که دشمنی شوم بود و باعث از بین رفتن شاپرک شد.

بازدیدکنندگان که سوالاتی تکراری و مشخص از آدم آهنی می پرسیدند و او را تحسین می کردند.

نوشتن

۱ ترکیب های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

درخت بلوط - احساس خوب - افراد سرشناس - صدای بلند - مربای زردآلو - اسم من

درخت بلوط ← «اضافی» احساس خوب ← «وصفی» افراد سرشناس ← «وصفی»

صدای بلند ← «وصفی» مربای زردآلو ← «اضافی» اسم من ← «اضافی»

۲ برای هر کلمه، یک هم خانواده بنویسید.

مطمئن: اطمینان ● سؤال: مسأله ●

قصه: قصص ● توجه: متوجه ●

۳ در جمله های زیر نهاد، مفعول و متمم را معین کنید.

● شناسنامهٔ ما، عمر حقیقی ما را تعیین نمی کند.

نهاد مفعول

● فرصت های خوب و عزیز می گذرند.

نهاد

● دانش آموزان شهید رجایی را دوست داشتند.

نهاد مفعول

● آفتاب بر گل ها و سبزه ها می تابد.

نهاد متمم

۴ فعل های «ایستادند، می آید، پرسیدند، گفت» را به فعل آینده، تبدیل کنید.

ایستادند ← آینده خواهند ایستاد

می آید ← آینده خواهد آمد

پرسیدند ← آینده خواهند پرسید

گفت ← آینده خواهد گفت



درس هفدهم: ما می‌توانیم / نیایش



ما می‌توانیم

★ ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	اراده: عزم
اطاعت: پیروی	اعلامیه: نوشته‌ای که در آن در مورد چیزی اطلاعاتی نوشته شده است.
امر: کار	انتها: آخر
اوراق: (جمع ورق) برگه‌ها	اینک: حالا، الآن
بلافاصله: بی‌درنگ، بدون فاصله و تأخیر	تدفین: دفن کردن
★ ترحیم: طلب آموزش و مغفرت برای مُرده، درود فرستادن بر مُرده	تسهیلات: امکانات
رحمت: لطف	★ سماجت: پافشاری، اصرارکردن، وادارکردن، مجبورکردن
شکوهمند: باشکوه، عظیم	عاقبت: سرانجام
★ عنایت: بخشش، لطف، توجه، احسان	فراهم آوردن: آماده کردن
★ فرصت: زمان، وقت	فوت: مرگ
★ قرین: همراه	متأشفانه: با افسوس و ناراحتی
نمادین: رمزگونه	

روان‌خوانی: پیر دانا

★ انعام: پاداش، عطا و بخشش	ارزن: دانه‌ای شبیه گندم و جو که خوراک پرنندگان خانگی است.
★ ارواح: (جمع روح) روح‌های مردگان	پیش‌کشی: هدیه، سوغات
رویارویی: روبه‌رو شدن	شایعه: خبری ساختگی که دهان به دهان میان مردم رایج شود
صادر کردن: پخش کردن، اعلام کردن	★ غَلَات: (جمع غَلَه) گیاهانی مانند گندم، جو و ذرت
کاشانه: محل سکونت	★ لغو: بیهوده، باطل
مغرور: خودپسند	نصیحت: پند
وعده‌گاه: محل مشخص شده برای دیدار کردن	

نیایش

احوال: (جمع حال) وضعیت	اسرار: (جمع سرّ) رازها
بر فروزان: روشن کن	★ بوم: زادگاه، سرزمین
درگاه: جایگاه	دست‌گیری: کمک کردن
دیدار: ملاقات	راندن: دورکردن
★ روان: روح، جان	غفلت: بی‌خبری، ناآگاهی
محروم: بی‌نصیب، بی‌بهره	معنی: معنویت
نیک‌مرد: انسان درستکار و نیکوکار	



ما می‌توانیم

هم‌خانواده‌ها

ادارات: اداره، مدیر، اداری	ادامه: دوام، تداوم، مداوم	امر: امور، مأمور، آوایر
تصمیم: مصمم	جلسه: مجلس، اجلاس، جلوس	خالی: خلوت، تخلیه، خلأ
رحمت: رحم، مرحوم، ترحیم	رقم: مرقوم، أرقام	سماجت: سیمج
شرکت: شریک، شرکا، مشارکت	ضربه: ضرب، ضارب، مضروب	عاقبت: عقب، تعقیب، عواقب
قرین: تقارن، قرینه، مقارن	کافی: کفایت، کفیی، اکتفا	مراسم: رسم، مرسوم، ترسیم
تسهیلات: سهل، سهولت	دفن: مدفون، تدفین، دفینه	شدت: شدید، تشدید
فاصله: فصل، تفصیل، فواصل	نصف: منصف، انصاف، منصف	

روان‌خوانی: پیر دانا

هم‌خانواده‌ها

إنعام: نعمت، نعیم، منعم	شایعه: شایع، شیوع، تشیيع	صادر: صدر، صدور، مصدره
عقل: عاقل، معقول، تعقل	فایده: فواید، مفید، استفاده	

ما می‌توانیم

متضادها

ابدی ≠ فانی، موقتی	تقسیم ≠ ضرب	حداقل ≠ حداکثر
داخل ≠ خارج، بیرون	شروع ≠ خاتمه، پایان	قدرت ≠ ضعف، ناتوانی
خالی ≠ سرشار، مملو، پر	مثبت ≠ منفی	

روان‌خوانی: پیر دانا

متضادها

پخته ≠ خام	راضی ≠ ناراضی	ضعیف ≠ قوی
مخفی ≠ آشکار	مشکل ≠ آسان، ساده، سهل	فایده ≠ ضرر

نیایش

متضادها

محروم ≠ بهره‌مند

واژگان مهم املائی

ما می‌توانیم

فرصت بازنشستگی - عنوان بازرس - امر آموزش - تسهیلات - پرکردن اوراق - ضربه زدن - تقسیم کردن - نصف ورقه - سماجت عجیب - کنجکاو و وادار کردن - آلت - جملات مثبت - عاقبت کار - سراغ صفحه جدید - خواست بچه‌ها - بالآخره - انتهای زمین - حداقل - اطاعت کردن - منتظر ماندن - انجمن شهر - جایگاه ابدی - عنایت و بخشش - برگزار کردن - اعلامیه ترحیم - قرین رحمت - مراسم تدفین

روان‌خوانی: پیردانا

ضعیف و ناتوان - نصیحت پدر - احترام گذاشتن - شاه مغرور - دست جلاد - رویارویی با دشواری‌ها - ارواح شیاطین - صادر کردن فرمان - ارزن پخته - زرنگ بودن - انعام خوب - پیش‌کشی - اجرا کردن - محصول خوب - غله‌های همسایه‌ها

نیایش

حق نیک‌مردان - احوال بد - محروم کردن - اسرار - آتش غفلت - شمع جانم - فروزان

نکته املائی (۱)

«واژه‌های دو املائی»

در فارسی بعضی واژه‌ها به دو شکل نوشته می‌شوند. مانند:

قورباغه	بلیت	طاقچه	باتری	توفان	تهران	توس	اتو	اتاق	الف
غورباغه	بلیط	طاقچه	باطری	طوفان	طهران	طوس	اطو	اطاق	ب

که نوشتن این واژه‌ها به صورت دوم مناسب‌تر است.

نکته املائی (۲)

«حروف ناخوانا»

در شکل نوشتاری بعضی واژه‌ها حرفی وجود دارد که خوانده نمی‌شوند. هنگام نوشتن این واژه‌ها باید به این نکته توجه داشت.

خویش	خویشتن	خواب	خود	خوار	خواجه	خواهش	خواستن	خوش	خواهر
------	--------	------	-----	------	-------	-------	--------	-----	-------

ما می‌توانیم

به جای استفاده از جملات مثبت به جملات منفی روی آورده بودند.

معنی: به جای استفاده از جملات مثبت به سوی جملات منفی رفته بودند.

در جایگاه ابدی‌اش به خاک سپرده‌ایم.

معنی: در منزل همیشگی‌اش (قبر، گور) دفن کرده‌ایم.

این حرکت شکوهمند نمادین، چیزی بود که برای همه عمر به یاد آن‌ها می‌ماند و در ذهن آن‌ها نقش می‌بست.

معنی: این حرکت باشکوه که حالتی رمزگونه داشت، چیزی بود که در ذهن همه آن‌ها در تمام زندگی باقی ماند و در ذهنشان حفظ می‌شود.

بررسی ادبی: نقش بستن کنایه از: ماندگار شدن

مجلس ترحیم «نمی‌توانم» را برگزار کردند.

«ما می‌توانیم»، نوشته کلیم مورمان، از مجموعه داستان «نغمه عشق»

معنی: مجلس فوت «نمی‌توانم» را اجرا کردند.

نیایش

خداوندا، به حق نیک‌مردان که احوال بدم را نیک‌گردان

معنی: خدایا تو را به آبرو و جایگاه انسان‌های خوب قسم می‌دهم که وضعیت و حال بد مرا خوب کن.

بررسی ادبی: تضاد: نیک، بد/تکرار واژه «نیک»

بررسی دستوری: بیت سه جمله دارد: خداوندا به حق نیک‌مردان (تو را قسم می‌دهم) که احوال بدم را نیک‌گردان.

۴

۲

۱

شبه‌جمله از نوع منادا

در جمله دوم «حق نیک‌مردان» متمم / در جمله آخر «احوال بدم» مفعول

مکن ما را از این درگاه، محروم / چو گنجشکان، مران ما را از این بوم

معنی: ای خدا ما را از این درگاه بندگی ات بی نصیب و بی بهره نکن و ما را مانند گنجشکان از این سرزمین (درگاه بندگی) دور نکن.

بررسی ادبی: تشبیه: ما (مشبه)، گنجشکان (مشبه به)

بررسی دستوری: هر مصراع یک جمله است. / «ما» در هر دو جمله، مفعول است / «این درگاه»، «این بوم» متمم است / «گنجشکان» متمم

زبانى ده كه اسرار تو گوید / روانى ده كه دیدار تو جوید

معنی: کمک کن تا زبان ما رازهای خدایی تو را بگوید و به ما روحی بده که همیشه به دنبال رسیدن به تو باشد.

بررسی ادبی: مراعات نظیر (زبان، گوید)

بررسی دستوری: بیت چهار جمله دارد: زبانى ده كه اسرار تو گوید روانى ده كه دیدار تو جوید

① ② ③ ④

در جمله اول «زبانى» نقش مفعولى دارد. / در جمله دوم «اسرار تو» مفعول است. / در جمله سوم «روانى» مفعول است. / در جمله چهارم «دیدار تو» مفعول است.

دلّم در آتش غفلت مسوزان / به معنی، شمع جانم بر فروزان

معنی: دل مرا گرفتار بی خبری و بی توجهی که مانند آتشی باعث سوختن من می شود، نکن، و به وسیله آشنا کردن روح من با معنویات، آن را مانند شمعی روشن کن.

بررسی ادبی: اضافه تشبیهی: غفلت (مشبه)، آتش (مشبه به) / اضافه تشبیهی: جان (مشبه)، شمع (مشبه به) / تناسب «آتش، مسوزان»، «شمع، برفروزان»

بررسی دستوری: هر مصراع یک جمله است. / در جمله اول، «دلّم» مفعول و «آتش غفلت» متمم / در جمله دوم «معنی» متمم و «شمع جانم» مفعول / فعل جمله اول «نهی» و فعل جمله دوم «امری» است.

کنون، گر دست گیری، جای آن هست / که گر دستم نگیری، رفتم از دست

معنی: اگر حالا مرا کمک کنی، شایسته است وگرنه از دست می روم و نابود می شوم.

بررسی ادبی: دستگیری کردن کنایه از: کمک کردن / از دست رفتن کنایه از: نابود شدن / تکرار واژه «دست» / تضاد واژه های «دستگیری»، «دستم نگیری»

بررسی دستوری: بیت چهار جمله دارد. کنون گر دست گیری جای آن هست که گر دستم نگیری رفتم از دست

① ② ③ ④

در جمله اول، «دست» مفعول / در جمله دوم «هست» اسنادی نیست، زیرا به معنی «وجود دارد» است، پس در جمله آخر «دست» متمم است.

مکن دورم ز نزدیکیان درگاه / به راه آور مرا، کافتادم از راه

معنی: مرا از جمع نزدیکان درگاهت دور نکن. من را به راه راست هدایت کن که گمراه شده ام.

بررسی ادبی: تکرار واژه «راه» / از راه افتادن کنایه از: گمراه شدن / تضاد «دور»، «نزدیک»

بررسی دستوری: بیت سه جمله دارد: مکن دورم ز نزدیکیان درگاه به راه آور مرا کافتادم از راه

① ② ③

در جمله اول ضمیر متصل «م» مفعول و «نزدیکیان درگاه» متمم است. / در جمله دوم، «راه» متمم و «م» در مرا مفعول است. / در جمله سوم «راه»، متمم است.

تو را خوانم به هر رازی که خوانم تو را دانم به هر چیزی که دانم

گل و نوروز، خواجهی کرمانی

معنی: با هر سخن و رازی که می‌گویم تو را صدا می‌زنم و در بین همه چیزها فقط تو را به‌عنوان خدا و معبود می‌شناسم.

بررسی ادبی: تکرار واژه «خوانم»، «دانم»، «تو»

بررسی دستوری: بیت چهار جمله دارد: تو را خوانم به هر رازی که خوانم تو را دانم به هر چیزی که دانم

۱ ۲ ۳ ۴

در جمله اول «تو» مفعول است / در جمله دوم «هر رازی» متمم است / در جمله سوم «تو» مفعول است / در جمله آخر «هر چیزی» متمم است.

اعلام

خواجهی کرمانی: در سال ۶۸۹ هجری قمری به دنیا آمد و در سال ۷۵۳ هجری قمری درگذشت. کمال‌الدین محمود معروف به خواجهی کرمانی از شاعران معروف قرن هفتم و هشتم هجری است. از آثار او می‌توان به کمال‌نامه، گوهرنامه، گل و نوروز (این اثر در قالب مثنوی و به پیروی از خسروشیرین نظامی سروده شده است) اشاره کرد.

دانش‌های زبانی و ادبی

نگته

کلمات از نظر ساختمان به دو دسته ساده و غیرساده تقسیم می‌شوند.

کلمات ساده: واژه‌هایی هستند که فقط یک جزء دارند و نمی‌توان آن‌ها را به بیش از یک جزء تقسیم کرد.

مانند: کتاب، دفتر، مادر، پسر، دختر، خیابان، گل، کلاغ

کلمات غیرساده: کلماتی هستند که بیش از یک جزء دارند؛ یعنی از دو یا چند قسمت تشکیل شده‌اند.

مانند: کتابخانه ← کتاب + خانه

دانش ← دان + ش	دانا ← دان + ا	بادب ← با + ادب
درس‌خوان ← درس + خوان	زورمند ← زور + مند	بی‌ادب ← بی + ادب
نمکدان ← نمک + دان	شوره‌زار ← شوره + زار	گلستان ← گل + ستان
نگهبان ← نگه + بان		

بخش‌های تشکیل‌دهنده یک واژه غیرساده دو دسته‌اند: «بخش معنادار» و «بخش معناساز». در مثال‌های بالا واژه‌های کتاب، خانه، دان، ادب، درس، زور، ادب، نمک، شوره، گل و نگه بخش‌های معنادارند و واژه‌های، ش، ا، با، خوان، مند، بی، دان، زار، ستان، بان، بخش معناسازند.

معناساز بودن این بخش‌ها به این معناست که اگر واژه‌های کنار این‌ها بیاید، معنای جدیدی ساخته می‌شود.

مهم‌ترین پیشوندها: بخش‌های معناسازی که قبل از اسم می‌آید.

با ← بادب، باشعور، باخرد، بانشاط **بی** ← بی‌ادب، بی‌هنر

قبل از اسم: ناامید

نا } قبل از صفت: نامنظم

قبل از بُن فعل: نادان، ناشناس

هم ← قبل از اسم ← هم‌وطن

مهم‌ترین پسوندها: بخش‌های معناسازی که بعد از اسم می‌آیند:

صفت + ی: درستی، خوبی	اسم + ی: بقالی، خیطالی	اسم + گر: کوزه‌گر، کارگر
بن ماضی + ار: رفتار، گفتار	بن ماضی + ه: دیده، گرفته	بن مضارع + ه: ناله، خنده
اسم + ه: زرده، سبزه	بن مضارع + ش: بینش، دانش، آسایش	
بن مضارع + ان: دوان، خندان	اسم + انه: صبحانه، کودکانه	اسم + زار: نمک‌زار، لاله‌زار
اسم + بان: باغبان، کشتی‌بان	اسم + ستان: بوستان، گلستان	اسم + گاه: شامگاه، صبحگاه
اسم + ک: روبهک، دخترک	اسم + ها: دخترها، پسرها	اسم + ان: درختان، گنجشکان



گاهی نوشته‌هایی را می‌خوانیم که از زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند. ترجمه به معنی برگرداندن یک متن از یک زبان به زبان دیگر است. به کسی که متنی را از زبانی به زبان دیگر برمی‌گرداند، مترجم گفته می‌شود. مترجم باید به زبان مبدأ (یعنی زبانی که متن با آن نوشته شده) و زبان مقصد (یعنی زبانی که می‌خواهد متن را به آن زبان برگرداند) تسلط کامل داشته باشد.

مترجم باید قواعد دستوری زبان مقصد را کاملاً رعایت کند و عبارات و اصطلاحات هر دو زبان را به‌خوبی بداند. مثلاً در زبان انگلیسی و عربی فعل در ابتدای جمله می‌آید، اما در زبان فارسی فعل در آخر جمله است. پس رعایت این نکات باعث زیبایی اثر ترجمه شده می‌شود.

مترجمان هنگام ترجمه از منابعی مانند فرهنگ لغت، دایرةالمعارف و ... استفاده می‌کنند. به مثال‌های زیر دقت کنید:

إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَضَّةٌ. (امام علی (ع))

از دست دادن فرصت ناراحت‌کننده است.

این داستان به اتمام رسیده است. نظر شما درباره آن چیست؟ This story is last lesson. What is your idea about it?

خودارزیابی

۱ دانش‌آموزان چه جمله‌هایی روی برگه‌های خود می‌نوشتند؟

جمله‌هایی که با «نمی‌توانم» شروع می‌شد.

۲ چرا دونا از دانش‌آموزان خواسته بود که «نمی‌توانم»‌های خود را بنویسند؟

برای این که پس از دفن کردن آن‌ها دیگر این فعل نتواند مانند سدی در مسیر زندگی آن‌ها قرار بگیرد و مانع پیشرفت و حرکت به جلو برای استفاده‌کنندگان از آن باشد.

۳ منظور بازرس از جمله «فهمیدم که این شاگردان هرگز چنین روزی را فراموش نخواهند کرد.» چیست؟

زیرا با آن حرکت نمادین و نمایشی دیگر هر زمان که بخواهند از «نمی‌توانم» استفاده کنند یاد آن خاطره افتاده و به حرکت خود برای پیشرفت ادامه می‌دهند.

کار گروهی

درباره شخصیت‌های داستان «ما می‌توانیم» گفت‌وگو کنید.

معلم (دونا) انسانی محقق و اهل فکر و انسانی در تلاش است تا تمامی موانع را از سر راه پیشرفت انسان‌ها بردارد.

دانش‌آموزان افرادی که هنوز در حال آموختن و یادگیری هستند و شخصیت آن‌ها به‌صورت کامل شکل نگرفته است.

بازرس فردی که قبلاً معلم «دونا» بوده ولی باز هم از شاگرد قدیمی خود مطلب آموزنده‌ای را یاد می‌گیرد.

نوشتن

۱ واژه‌های ساده و غیرساده را مشخص کنید و در جدول بنویسید.

روز - دست - ورقه - خاکی - سخنرانی - نمادین - شاگرد - کاغذ - گوش - تخته

گوش	کاغذ	شاگرد	دست	روز	کلمه ساده
تخته	نمادین	سخنرانی	خاکی	ورقه	کلمه غیرساده

۲ ده کلمه مهم املائی از پنج درس گذشته، انتخاب کنید و بنویسید.

اعلامیّه ترجمیم، مراسم، حرکت شکوهمند، عنایت، اطاعت، بالأخره، سماجت، تسهیلات، اوراق، حداقل

۳ برای هر یک از کلمه‌های زیر، دو هم‌خانواده بنویسید.

وسط: اواسط، وسطی، مطیع، طاعت، رحمت: مرجعیت، رجیم

اعلامیّه: اعلام، عالم



بدون زیر را س سید.

۱ - اصطلاحی در رایانه و نام کوچک نویسنده آخرین درس کتاب

۲ - نام یکی از کشورهای آمریکایی

۳ - مادر در عربی

۴ - اهل کرمان

۵ - همان «أحد» است.

۶ - از انواع جمله

۷ - این نوع جمله، خبری را می‌رساند.

۸ - تمثلاً، درخواست

۹ - به معنای نکوهش است.

۱۰ - منفی فعل امر

۱۱ - واژه‌ای که با نام «نیما» پدر شعر نو فارسی می‌آید.

۱۲ - درخت همیشه‌سبز

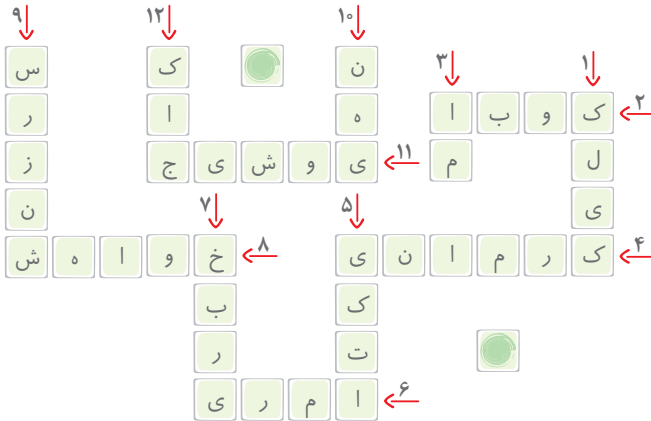
درک و دریافت

۱ به نظر شما، راز پیروزی‌های پسر جوان، چه بود؟

پیروی از راهنمایی‌های پدر با تجربه‌اش

۲ چگونه رفتار کنیم که مورد احترام دیگران باشیم؟

برای رسیدن به اهداف خود زحمت بکشیم و به مردم احترام بگذاریم و با آنها مهربان باشیم و سخرخیز باشیم.





سوالات تشریحی

سیر تا پیاز

- | | |
|-----|--|
| ۱۱۴ | ستایش / درس اول: زنگ آفرینش |
| ۱۱۶ | درس دوم: چشمه معرفت |
| ۱۱۷ | درس سوم: نسل آینده‌ساز |
| ۱۱۹ | درس چهارم: با بهاری که می‌رسد از راه، زیبایی شکفتن |
| ۱۲۰ | درس ششم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟ |
| ۱۲۱ | درس هفتم: علم زندگانی |
| ۱۲۳ | درس هشتم: زندگی همین لحظه‌هاست |
| ۱۲۵ | آزمون نوبت اول |
| ۱۲۷ | درس نهم: نصیحت امام (ره)، شوق خواندن |
| ۱۲۸ | درس دهم: کلاس ادبیات، مرواریدی در صدف... |
| ۱۳۰ | درس یازدهم: عهد و پیمان، عشق به مردم... |
| ۱۳۱ | درس دوازدهم: خدمات متقابل اسلام و ایران |
| ۱۳۲ | درس سیزدهم: اسوه نیکو |
| ۱۳۴ | درس چهاردهم: امام خمینی (ره) |
| ۱۳۵ | درس شانزدهم: آدم آهنی و شاپرک |
| ۱۳۷ | درس هفدهم: ما می‌توانیم / نیایش |
| ۱۳۹ | آزمون نوبت دوم |
| ۱۴۱ | پاسخنامه تشریحی |



ستایش: یاد تو / درس اول: زنگ آفرینش

(پاسخ‌های تشریحی را در صفحه ۱۴۱ مطالعه کنید.)

معنی شعر و نثر

- ۱ ایات و عبارات زیر را به فارسی روان بازگردانید.
 - الف) ای یاد تو مونسِ روانم / جز نام تو، نیست بر زبانه
 - ب) دست‌گیر که دست آویز نداریم.
 - پ) جهان، جمله فروغ روی حق دان / حق اندر وی ز پیدایی است پنهان
 - ت) الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم.
 - ث) گفت: جان پدر! تو نیز اگر بختی، به که در پوستینِ خلق، اُفتی.

شناخت معنی واژه

- ۲ در جملات زیر قسمت‌های مشخص‌شده را معنی کنید.
 - الف) روز و شب زائرِ حرم باشم
 - ب) فارغ از سنگ بچه‌ها باشم
 - پ) کوتاه ز درت درازدستی
 - ت) یاد دارم که در ایام طفولیت،
 - ث) هم تو، به عنایت الهی آن‌جا قَدَم رسان که خواهی
 - ج) توفیق ده، تا در دین استوار شویم.

درک متن و مفاهیم

- ۳ با توجه به متن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

«شبی در خدمت پدر، رحمة‌الله علیه، نشسته بودم و همه‌شب، دیده بر هم نبسته و مُصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته. پدر را گفتم: از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد.»

 - الف) نویسنده با دیدن طایفه‌ای که خوابیده‌اند از چه چیزی ناراحت است؟
 - ب) در کدام قسمت متن از پدر با احترام یاد شده است؟
 - پ) منظور از «مُصحف عزیز» چیست؟
 - ت) منظور از «همه‌شب دیده بر هم نبسته» چیست؟

خودارزیابی

- ۴ به سؤال زیر پاسخ کامل دهید.

منظور شبنم از جمله «می‌خواهم آفتاب شوم» چیست؟

دانش‌های ادبی و زبانی

- ۵ در ابیات زیر آرایه‌های ادبی را مشخص کنید.
 - الف) غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم / مثل لبخند، باز خواهم شد
 - ب) دانه آرام بر زمین غلتید / رفت و انشای کوچکش را خواند
 - پ) شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب



۶ در ابیات زیر تعداد جملات را مشخص کنید.

الف ای نام تو بهترین سرآغاز / بی نام تو، نامه کی کنم باز؟

ب ای خدا ای فضل تو حاجت روا / با تو یاد هیچ کس نبود روا

۷ درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص کنید.

الف بیت «کاش روزی به کام خود برسید، / بچه‌ها، آرزوی من این است!» سه جمله دارد.

ب در بیت «جهان، جمله فروغ روی حق دان / حق اندر وی ز پیدایی است پنهان» تضاد وجود ندارد.

۸ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

الف در مصراع «نام تو کلید هرچه بستند» نهاد، است.

ب در مصراع «کاش روزی به کام خود برسید،» شبه جمله است.

پ نوع جمله «آرزوهایتان چه رنگین است!» است.

۹ جدول زیر را کامل کنید.

هم خانواده	غفلت ()	رحمت ()	طفولیت ()
هم آوا	صواب ()	خوار ()	خان ()
متضاد	غوغا ()	ظلمت ()	رها ()
جمع بی نشانه	مسجد ()	میل ()	یوم ()

تاریخ ادبیات

۱۰ آثار ستون «سمت راست» را به پدیدآورنده آن در ستون «سمت چپ» وصل کنید.

نظامی گنجوی

شیخ محمود شبستری

قیصر امین پور

گلشن راز

آینه‌های ناگهان

اسکندرنامه

۱۱ جاهای خالی زیر را با کلمات مناسب پر کنید.

الف مجموعه شعر «تنفس صبح» سروده است.

ب از میان تقلیدکنندگان از گلستان سعدی می‌توان از و نام برد.

۱۲ درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص کنید.

الف کتاب «مجنون و لیلی» اثر نظامی گنجوی است.

ب «کشف الاسرار» اثر خواجه نظام الملک توسی است.

املا

۱۳ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

الف نماز دین اسلام است. (اثاث - اساس)

ب باز بهار شوم (پیغمبر - پیغمبر)

۱۴ در گروه کلمات زیر واژه‌های نادرست را تصحیح کنید.

ضلمت - موضوع - زره - افغ - متعبد - فارغ



املا

- ۱۰ در جملات زیر موارد درست را انتخاب کنید.
- الف آدم آهنی با صدایمانندی گفت. (قزقز، غزغز)
- ب وای تروم چرا از من نکردی؟ (مراقبت، مراغبت)
- پ تروم بود که او را تحسین می کنند. (مطمعن، مطمئن)
- ت شاپرک متوجه باز شدن درها نشد. (اصلن، اصلاً)
- ۱۱ در میان واژه‌های زیر غلط‌های املائی را تصحیح کنید.

مرطباً - رعیس - قزّش - سراغ - غلط - به موعغ - جذّاب - طزّاحی - متعسفانه

(پاسخ‌های تشریحی را در صفحه ۱۴۷ مطالعه کنید.)

درس هفدهم: مامی توانیم / نیاپیش

معنی شعر و نثر

- ۱ ابیات زیر را به فارسی روان بازگردانید.
- الف دلم در آتش غفلت مسوزان / به معنی، شمع جانم برفروزان
- ب زبانی ده که اسرار تو گوید / روانی ده که دیدار تو جوید
- پ مکن دورم ز نزدیکان درگاه / به راه آور مرا، کافتادم از راه
- ت مکن ما را از این درگاه، محروم / چو گنجشکان، مران ما را از این بوم

شناخت معنی واژه

- ۲ معنای قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.
- الف با سماجت عجیبی به این کار ادامه می داد.
- ب او را به جایگاه ابدی بردند.
- پ خداوند او را قرین رحمت کند.
- ت حکم خود را لغو کرد.
- ث مراسم ترحیم را برگزار کردند.
- ج خداوند به ما قدرت عنایت فرماید.

درک متن و مفاهیم

- ۳ جاهای خالی را به درستی کامل کنید.
- الف مفهوم عبارت «از قدیم گفته اند یک عقل خوب است و دو عقل بهتر» به تشویق می کند.
- ب مفهوم مصرع اول بیت «دلم در آتش غفلت مسوزان / به معنی، شمع جانم برفروزان» درخواست از خداوند است.
- ۴ مفهوم کلی بیت زیر در کدام گزینه وجود دارد؟

«کنون، گر دست گیری جای آن هست که گر دستم نگیری، رفتم از دست»

- الف طلب حال نیکو از خداوند
- ب طلب یاری و هدایت از خداوند



۵ مفهوم قسمت مشخص شده را بنویسید.

«مکن دورم ز نزدیکیان درگاه به راه آور مرا، کافتادم از راه»

خودرزیابی

۶ چرا دونا از دانش آموزان خواسته بود که «نمی توانم» های خود را بنویسند؟

دانش های ادبی و زبانی

۷ در ابیات زیر آرایه های ادبی را مشخص کنید.

- الف) مکن ما را از این درگاه، محروم / چو گنجشکان، مران ما را از این بوم
 ب) دلم در آتش غفلت مسوزان / به معنی، شمع جانم برفروزان
 پ) خداوندا، به حق نیک مردان / که احوال بدم را نیک گردان
 ت) کنون، گر دست گیری، جای آن هست / که گر دستم نگیری، رفتم از دست
 ث) مکن دورم ز نزدیکیان درگاه / به راه آور مرا، کافتادم از راه

۸ در ابیات زیر واژه های غیر ساده را مشخص کنید.

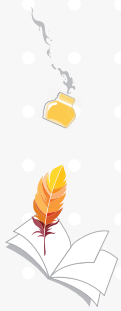
- الف) آفرین، جان آفرین پاک را / آن که جان بخشید و ایمان خاک را
 ب) تو را پرواز، بس زود است و دشوار / ز نوکاران که خواهد کار بسیار؟
 پ) همه عالم تن است و ایران، دل / نیست گوینده زین قیاس خجل
 ت) روشن و گرم و زندگی پرداز / آسمان، مثل یک تبسم شد
 ث) منتظران بهار، فصل شکفتن رسید / مژده به گل ها برید، یار به گلشن رسید

تاریخ ادبیات

- ۹ و از آثار خواجهی کرمانی است.
 ۱۰ خواجهی کرمانی کدام اثرش را به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده است؟
 ۱۱ متن «ما می توانیم» نوشته چه کسی است؟

املا

- ۱۲ در متن زیر غلط های املائی را تصحیح کنید.
 «بلاخره به انتهای زمین بازی رسیدند و در حضور معلم و بازرس برای فراهم کردن تسهیلات آموزشی سخنرانی کردند.»
 ۱۳ درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص کنید.
 الف) واژه های «انعام، صادر کرد، غله» همگی از نظر املائی صحیح اند.
 ب) در عبارت «به هر گوشه ای سرک کشید، انباری و کاحدان را زیر و رو کرد.» غلط املائی دیده نمی شود.



نام: کلاس:

نام خانوادگی: تاریخ: / /

آزمون

آزمون نوبت دوم

معنی شعر و نثر

۶

۱ ابیات و عبارات زیر را به فارسی روان بازگردانید.

(۰/۷۵)

الف) ای کارگشای هرچه هستند / نام تو، کلید هرچه بستند

(۰/۷۵)

ب) قطره دانش که بخشیدی ز پیش / متصل گردان به دریا‌های خویش

(۰/۵)

پ) بیاید هر دو پا محکم نهادن / از آن پس، فکر بر پای ایستادن

(۱)

ت) تو را دانش و دین، ره‌اند دُرست / در رستگاری بیایدت جُست

(۱)

ث) خداوندا، به حق نیک‌مردان / که احوال بَدَم را نیک گردان

(۱)

ج) گر بر کنم دل از تو و بردارم از تو مهر / آن مهر بر که افکنم، آن دل کجا برم؟

(۰/۵)

چ) ای تن رنج از بهر خدای بکش.

(۰/۵)

ح) تو نیز اگر بختی به از آن که در پوستین خلق، اُفتی.

شناخت معنی واژه

۲

۲ معنای قسمت‌های مشخص‌شده را بنویسید.

(۰/۲۵)

الف) غرقه اعجاز زیبایی بودم.

(۰/۲۵)

ب) این‌ها چرا صلاح و پاکدامنی جوانان را نمی‌بینند.

(۰/۲۵)

پ) او شیفته طبیعت بود.

(۰/۲۵)

ت) استعدادهایی نظیر بوعلی پرورش یافتند.

(۰/۲۵)

ث) او اُسوه عالمیان است.

(۰/۲۵)

ج) سیمایی محزون داشت.

(۰/۲۵)

چ) به دست مزدوران خان افتاد.

(۰/۲۵)

ح) روی اعلامیه ترجمه نوشت.

درک متن و مفاهیم

۴

۳ جاهای خالی را به درستی پر کنید.

(۰/۵)

الف) منظور از «چاه» در عبارت «بینایی ده تا در چاه نیفتیم» است.

(۰/۵)

ب) منظور از قسمت مشخص‌شده در عبارت «یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد»، است.

(۰/۵)

۴ بیت «نار خندان باغ را خندان، کند / صحبت مردانت از مردان کند» به چه مفهومی اشاره دارد؟

الف) تأثیر هم‌نشین ب) فصل بهار

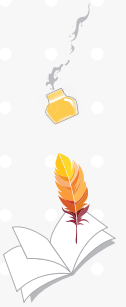
۵ درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص کنید.

(۰/۵)

الف) مفهوم بیت «به جان زنده‌دلان، سعدیا، که ملک وجود / نیرزد آن که دلی را ز خود بیازاری» بر مهربانی با دیگران تأکید می‌کند.

(۰/۵)

ب) منظور از «آب» در بیت «به گفتار پیغمبرت، راه جوی / دل از تیرگی‌ها بدین آب، شوی» گفتار پیامبر(ص) است.



نام:

آزمون

کلاس:

نام خانوادگی:

آزمون نوبت دوم

تاریخ: / /

- ۶ مفهوم کلی بیت «خدا آن ملّتی را سروری دارد / که تقدیرش به دست خویش بنوشت» به چه چیزی سفارش می‌کند؟ (۰/۵)
- ۷ شاعر در بیت «خداوندا، به حقّ نیک‌مردان / که احوال بدّم را نیک گردان» از خدا می‌خواهد. (۰/۵)
- ۸ منظور از قسمت‌های مشخص‌شده بیت زیر چیست؟ (۰/۵)
- «اگر چشم داری به دیگر سرای
به نزد نبیّ و وصی، گیر جای»

درک متن و مفاهیم

- ۹ در بیت زیر نقش قسمت‌های مشخص‌شده را بنویسید. (۰/۵)
- «هجووم فتنه‌های آسمانی
مرا آموخت علم زندگانی»
- ۱۰ در جملات زیر مسند را مشخص و مسند مناسب دیگری را جایگزین کنید. (۰/۵)
- الف) او کودکی کنجکاو بود. (۰/۵)
- ب) سروده‌های او شگفت‌انگیز است. (۰/۵)
- ۱۱ جدول زیر را کامل کنید. (۱/۵)

شمار	شخص	بُن	زمان	فعل
				بینند
				گرفتید

خودارزیابی

- ۱۲ منظور از «عمر حقیقی را شناسنامه ما تعیین نمی‌کند»، چیست؟ (۱)
- ۱۳ درباره عبارت «حرم، دل او را آرام می‌کرد و مدرسه، اندیشه‌اش را.» توضیح دهید. (۱)
- ۱۴ معنای «سلمانٌ مِنّا اهلَ البیت» را بیان کنید. (۱)

تاریخ ادبیات و حفظ شعر

- ۱۵ برای شاعران یا نویسندگان زیر یک اثر نام ببرید. (۱)
- علی اسفندیاری:
 - عطّار نیشابوری:
 - نادر ابراهیمی:
 - خواجه‌ی کرمانی:
- ۱۶ دو بیت اوّل شعر «رستگاری» را بنویسید. (۱)



درس دوم: چشمه معرفت

۱ الف) این درختان مانند انسان‌ها دست‌هایشان را از زمین به سوی خدا دراز کرده‌اند و با زبان سبز و دست‌های (شاخه‌های) درازشان از درون خاک رازهایی را بیان می‌کنند؛ (ب) در نگاه انسان عاقل، برگ‌های درختان مانند ورقه‌های دفتری است که علم شناخت خداوند را به انسان می‌آموزد؛ (پ) آب صاف و درخشان مانند روحی که با حرکت خود به دیگران امید و زندگی می‌بخشد، با سرعت می‌رفت تا خود را به زمین‌های کشاورزی خشک برساند.

۲ الف) شگفتی؛ (ب) پاک؛ (پ) تلاش کردن؛ (ت) صدای ناهنجاری که از گلو یا بینی شخص بیرون آید.

۳ شناخت خداوند از طریق آفریده‌ها

۴ انسان‌ها - زمین و دنیا

۵ درختان سرسبز باغ و صحرا را دیدم که شاخه (دست)‌های خویش را به آسمان برافراشته بودند و دعا می‌کردند.

۶ الف) تشبیه: برگ درختان (مشبه)، ورق‌های دفتر (مشبه‌به)؛ (ب) تشخیص: دست‌داشتن و دعا کردن برای درخت تشخیص یا جان‌بخشی دارد. (پ) تشبیه: نسیم (مشبه)، مانند (ادات تشبیه)، مادر (مشبه‌به)، مهربان (وجه‌شبه)

۷ الف) بیت یک جمله است. نوع جمله: خبری

(ب) روح چنان غرق فهمیدن بود از هیجان می‌لرزید.

۱ (خبری) ۲ (خبری)

(پ) ای کاش کسی به خانه ما بیاید! ← دو جمله عاطفی

۸ الف) نادرست؛ لمس با سلامت هم‌خانواده نیستند. سه حرف اصلی سلامت س ل م است و با لمس هم‌خانواده نیست؛ (ب) درست

۹ الف) عقب - عواقب؛ (ب) ضمیر - قدم

۱۰ الف) طاهره آید؛ باغچه توی گلدان - به هوای گل سرخ؛ (ب) علی شریعتی؛ کویر - فاطمه فاطمه است

۱۱ زراعت ← مزرعه / طبیعت ← طبع / احترام ← حرمت

۱۲ صیراب و تشنه ← سیراب و تشنه / ذممه کردن ← زمزمه کردن / آب‌های ذلال ← آب‌های زلال / جازبه خالق ← جاذبه خالق / غندانه بچه ← قنداقه بچه / پشت سخره ← پشت سخره / قلتاندن ← غلتاندن / معتل شدن ← معطل شدن

درس سوم: نسل آینده‌ساز

۱ الف) ای خدا دام‌های بسیاری در راه ما وجود دارد. ما هم مانند پرندگان حریص، بیچاره هستیم؛ (ب) از خدا می‌خواهیم که به ما نعمت ادب را بدهد. انسان بی‌ادب از لطف خداوند بی‌بهره است؛ (پ) اگر در هر قدم هزاران دام هم وجود داشته باشد، چون تو با ما هستی، نگرانی و غمی نداریم؛ (ت) ای خدا، ای کسی که رحمت و بخشش تو نیازهای ما برآورده می‌کند. با وجود تو یادکردن از دیگران شایسته نیست.

۲ الف) توانایی؛ (ب) بناها و موانعی که برای دفع دشمنان می‌سازند؛

ستایش: یاد تو / درس اول: زنگ آفرینش

۱ الف) ای خدایی که یاد تو همدم روح من است، به غیر از نام تو، نام دیگری بر زبانم جاری نمی‌شود؛ (ب) ما را کمک کن، چون یآوری نداریم؛ (پ) همه جهان پرتو و جلوه‌ای از نور وجود خداوند است آن‌چنان که او از شدت آشکار بودن در این جهان، پنهان است؛ (ت) خدایا قلبی (شجاعتی) به ما عطا کن که در راه تو و انجام دستورات تو فداکاری کنیم؛ (ث) گفت: عزیز پدر! تو هم اگر می‌خوایدی، بهتر از آن بود که غیبت مردم را بکنی.

۲ الف) زیارت‌کننده؛ (ب) آسوده، راحت؛ (پ) ستمگری، زورگویی؛ (ت) کودکی، خردسالی؛ (ث) بخشش، لطف، توجه، احسان؛ (ج) سازگاری، موافقت

۳ الف) از بی‌توجهی آن‌ها در انجام واجبات (نماز)؛ (ب) رحمة‌الله علیه؛ (پ) قرآن کریم؛ (ت) شب‌زنده‌داری و عبادت خدا در شب

۴ می‌خواهم به مقام بالایی برسم.

۵ الف) دل‌تنگ بودن کنایه از غمگین بودن است. در همین بیت آرایه تشخیص وجود دارد، زیرا دل‌تنگ بودن و گفتن را به غنچه نسبت داده است؛ (ب) تشخیص (رفتن و انشا خواندن به دانه نسبت داده شده است)؛

(پ) اغراق در بزرگ بودن نام افراسیاب و ترس از او

۶ الف) ای نام تو بهترین سرآغاز است / بی‌نام تو نامه کی کنم باز

۱ ۲ ۳

(ب) ای خدا ای فضل تو حاجت‌روا / با تو یاد هیچ کس روا نیست

۱ ۲ ۳

۷ الف) درست؛ (ب) نادرست / تضاد: پیدا و پنهان

۸ الف) نام تو؛ (ب) کاش؛ (پ) عاطفی

۹

هم‌خانواده	غافل	رحیم	طفل
هم‌آوا	ثواب	خار	خوان
متضاد	سکوت	نور	اسیر
جمع بی‌نشانه	مساجد	امیال	ایام

۱۰ گلشن راز ← شیخ محمود شبستری

آینه‌های ناگهان ← قیصر امین‌پور

اسکندرنامه ← نظامی گنجوی

۱۱ الف) قیصر امین‌پور؛ (ب) بهارستان جامی - پریشان قآنی

۱۲ الف) نادرست؛ زیرا (لیلی و مجنون) اثر نظامی است؛ (ب) نادرست

۱۳ الف) اساس؛ (ب) پیغمبر

۱۴ ضلمت ← ظلمت / زره ← ذره / اُفغ ← اُفق / فارق ← فارغ



۱ (ب) گروه، دسته؛ (ت) برتر؛ (ث) برخلاف؛ (ج) درک و فهم

۲ علم و دانش بی‌کران خداوند

۳ بی‌ادبی باعث محروم شدن از بخشش خداوند است.

۴ آسیب‌رساندن به همه

۵ با حرف زدن نمی‌توان پیشرفت کرد. آینده با کار، عمل و کوشش ساخته می‌شود.

۶ (الف) تشبیه: دانش (مشبه)، قطره (مشبه‌به) / قطره و دریا ← تناسب

(ب) دام، دانه، مرغان ← تناسب یا مراعات‌نظیر / تشبیه: ما (مشبه)، مرغان (مشبه‌به)، حریص و بی‌نوا (وجه‌شبه)

۷ (الف) درست؛ منتظران بهار، فصل شکفتن رسید / مزده به گل‌ها برید

یار به گلشن رسید / شبه‌جمله از
نوع منادا

(ب) نادرست؛ فعل جمله سوم حذف شده است ← ما چو مرغان حریصی بی‌نوا (هستیم)؛ (پ) درست

۸ برای مشخص کردن «نهاد» ابتدا باید جملات را مشخص کنیم:

گر هزاران دام در هر قدم باشد / چون تو با ما (هستی) هیچ غمی نباشد
نهاد جمله اول نهاد جمله دوم نهاد جمله سوم

۹ هفتم

۱۰ ۲۶۰۰۰

۱۱ تهلیل ← تحلیل / متبوعات ← مطبوعات / رصانه‌ها ←

رسانه‌ها / انحراف ← انحراف

۱۲ (الف) صلاح؛ (ب) اعتراف؛ (پ) رئیس

درس چهارم: با بهاری که می‌رسد از راه، زیبایی شکفتن

۱ (الف) آسمان، مانند یک لبخند صاف و روشن شد و امید و نشاط

را به زندگی بخشید؛ (ب) شکوفه‌ای بر روی یک درخت، مانند لبخند،

باز شد و شکفت و بهار در همهٔ جهان آشکار شد؛ (پ) امروز، زندگی به

دلخواه تو است و وقت شکوفایی و شادابی و نشاط توست؛ (ت) امروز

بهتر از هر چیز در دنیا، راز گفتن و راز و نیاز کردن تو با خداوند است.

۲ (الف) اندیشه، فکر؛ (ب) پند؛ (پ) وابسته نبودن؛ (ت) بینش، آگاهی

۳ بصیرت و تفکر و تأمل

۴ راز و نیاز کردن با خدا

۵ چون امکان بازگشت به آن دوران و استفادهٔ درست از آن فرصت‌ها را ندارند.

۶ با آمدن بهار، آسمان گرم و زندگی‌بخش شد.

۷ (الف) تشخیص ← چشم‌داشتن برای جوانه؛ (ب) تشبیه: تو (مشبه)،

شاخه گل (مشبه‌به)، مثل (ادات تشبیه)، جوانه زدن و رشد کردن (وجه‌شبه)

/ تشبیه: تو (مشبه)، چشمه‌سار (مشبه‌به)، مثل (ادات تشبیه)، جاری شدن

(وجه‌شبه)؛ (پ) تشبیه: آفرینش (مشبه)، کتاب (مشبه‌به)

۸ (الف) بیت دو جمله دارد و مصراع اول، هرچه سرما و هرچه دل‌سردی ←

نهاد است. / (ب) بیت دو جمله دارد. نهاد جملهٔ اول: زندگی؛ (پ) بیت چهار جمله

دارد:

با بهاری که می‌رسد از راه / سبزه شو تازه شو بهاری شو

نهاد جملهٔ اول، «با بهاری»؛ (ت) عبارت یک جمله دارد و «دوست خوب»

نهاد است.

۹ رگبار کلمات، کوچه باغ آسمان، با بال این پرنده سفر کن

۱۰ مطالب ← مطلب / علایق ← علاقه

۱۱ (الف) نادرست؛ واژه‌های بسیرت و تغریباً نادرست اما واژهٔ فراز

درست است؛ (ب) درست

درس ششم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟

۱ این زندگی برای کسانی گوارا و دلپذیر باشد که مانند سرو آزادانه زندگی کردند و آزادانه از دنیا رفتند.

۲ (الف) شکایت؛ (ب) کوتاهی

۳ آزادگی

۴ قلب انسان مثل یک مسافرخانه نیست که انسان‌ها مدت کوتاهی در

آن باشند و سپس بروند، بلکه هرکس وارد قلب انسان می‌شود، انسان او را

دوست می‌دارد و گاهی تا آخر عمر یاد او در قلب انسان می‌ماند.

۵ زیرا مانند گلدان خالی زشت است و باعث آزار انسان می‌شود.

۶ (الف) تشبیه: قلب (مشبه)، لانهٔ گنجشک (مشبه‌به)، ناپایداری (وجه‌شبه)؛ (ب)

تشبیه: کسانی (مشبه)، همچو (ادات تشبیه)، سرو (مشبه‌به)، آزادگی (وجه‌شبه)

۷ (الف) مفعول؛ (ب) نهاد؛ (پ) نهاد

۸ (الف) بچه‌ها غذا را خوردند؛ (ب) ما وسایل خوبی خریدیم؛

(پ) کودک سنگ می‌اندازد.

۹ خانه‌ای برای شب

۱۰ سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما آمد.

۱۱ دور از خانه - قصه‌های ریحانه‌خانم

۱۲ (الف) اساس؛ (ب) حیات

درس هفتم: علم زندگانی

۱ (الف) آن‌قدر که آن راه نزدیک به نظرش دور آمد، جهان پیش

چشمش تاریک شد؛ (ب) از ترس ناگهان بر جایش خشک شد و از

خستگی در راه ماند و نتوانست راهش را ادامه دهد؛ (پ) تو باید هنر

پرواز کردن و راه و روش زندگی را بیاموزی؛ (ت) شاخهٔ کوچک بدون

ریشه هرگز توانا و میوه‌دار نمی‌شود تو باید کار و تلاش کنی و من هم

باید تو را نصیحت کنم؛ (ث) هجوم بلاها راه و رسم زندگی کردن را به

من آموخت؛ (ج) خدایا تو از او راضی باش و مقامش را مانند مقام پندگان

ویژهٔ خودت قرار بده؛ (چ) ای تن به‌خاطر خدا سختی بکش.

۲ (الف) تازه کار، بی‌تجربه؛ (ب) ناتوانی؛ (پ) نوک انگشت؛ (ت) همراه

- ۲ الف) میانه‌ها؛ ب) زندگی؛ پ) از حدّ خود گذشتن؛ ت) هم‌نشینی؛
ث) ساختمان؛ ج) شب را در جایی به سر بردن
- ۳ استفاده کردن از زمان حال
- ۴ همان فرصت‌هایی است که با رفتارهای زیبا و کارهای بزرگ می‌گذرد.
- ۵ هدر دادن عمر
- ۶ زیرا با صرف وقت می‌توان طلا به‌دست آورد ولی دقایق تلف شده را با طلا نمی‌توان بازگرداند.
- ۷ مشبه: فرصت‌ها، مشبه‌به: ابر، وجه‌شبه: گذران بودن، ادات تشبیه: مثل
- ۸ بنیاد کردن کنایه از اعتماد کردن است / تضاد بین «نامده» و «گذشته»
- ۹ زمان آرام‌آرام مانند آبی در حرکت است و پس از رفتن دگربار نمی‌توان آن را به جای اول بازگرداند. / آرام — تکرار / زمان (مشبه)، آب (مشبه‌به)، مانند (ادات تشبیه)، حرکت کردن (وجه‌شبه)
- ۱۰ الف) فعل اسنادی ندارد و «شد» به معنی «رفت» است؛ ب) است — فعل اسنادی / همین لحظه‌ها — مسند؛ پ) است — فعل اسنادی / دوستدار کسانی — مسند
- ۱۱ کسی در زندگی موفق است که اکنون و فرصت حال را دریابد و فکر کند که بهترین فرصت من امروز است.
نهاد متمم مسند مفعول
- ۱۲ تاریخ مغول و وزرای سلاجقه
- ۱۳ الف) درست؛ ب) نادرست؛ قضا‌های مجید پنج‌جلدی است.
- ۱۴ الف) تلف شدن — تلف شدن؛ ب) هیرت — حیرت؛
پ) اعضم — اعظم / قفلت — غفلت؛ ت) بیحوده — بیهوده /
خوش‌گزرائی — خوش‌گذرائی
- ۱۵ الف) دائماً؛ ب) اضطراب؛ پ) بالأخره

آزمون نوبت اول

- ۱ الف) خدایا با توجه به لطف و احسان خودت، مرا به مقام و جایگاهی که برای من صلاح می‌دانی برسان؛ ب) به‌یادمی‌آورم که در دوران کودکی، خدا را عبادت می‌کردم و به هنگام شب، مشغول راز و نیاز با خداوند می‌شدم؛ پ) درختان مانند انسان‌ها شاخه‌های بلند خود را برای راز و نیاز با خداوند از روی زمین به سمت آسمان بالا برده‌اند؛ ت) همهٔ جهان پرتویی از روشنایی وجود خداوند است که از شدت روشنایی و پیدا بودن در آن، پنهان است؛ ث) شکوفهٔ درخت همانند لبخندی باز شد و در همهٔ طبیعت نشانه‌هایی از آمدن بهار دیده شد؛ ج) از بس که آن راه نزدیک به نظرش طولانی آمد، خسته شد و جهان پیش چشمش تاریک شد؛ چ) بر آینده و روزهای سپری‌شده تکیه نکن و به آن‌ها اعتنایی نکن. حالا خوشحال و شاد باش و عمرت را تلف نکن.
- ۲ الف) آسوده؛ ب) پاک؛ پ) گروه، دسته؛ ت) آگاهی؛ ث) کوتاهی؛
ج) کوی، کوچه؛ چ) ستم و زورگویی؛ ح) بی‌خبری

۳ هنر پرواز کردن

۴ برای انجام هر کار باید مقدمات آن را فراهم کرد.

۵ اتفاقات و پیشامدهای بد و سخت

۶ چون او بچه بود و بی‌تجربه و آن مسیر کوتاه‌برایش طولانی و خسته‌کننده بود.

۷ الف) از پای افتادن کنایه از ناتوان شدن / تشخیص: آواز در دادن و گفتن و فریاد زدن برای کبوتر و مادر کبوتر؛ ب) دور و نزدیک — تضاد / جهان پیش چشم کسی تاریک شدن کنایه از ناامید شدن؛ پ) بال، پر — تناسب

۸ الف) تو — متمم (برای تو) / نوکاران — متمم؛ ب) به من — متمم / علم زندگانی — مفعول؛ پ) من — مفعول / دام‌ها — متمم / بالم — متمم / پرها — مفعول؛ ت) رنج — مفعول / خدای — متمم

۹ الف) گه از دیوار سنگ آمد، گه از در / گهم سرینجه خونین شد،
سنگ — نهاد ۱ / سرینجه — نهاد ۲
گهی سر (خونین شد) سر — نهاد ۳

ب) نگشت آسایشم یک‌لحظه دمساز / گهی از گربه ترسیدم گه از باز (ترسیدم)
آسایش — نهاد ۱ / من — نهاد ۲ / من — نهاد ۳
پ) من اینجا چون نگهبانم تو چون گنج (هستی) / تو را آسودگی باید
من — نهاد ۱ / تو — نهاد ۲ / آسودگی — نهاد ۳
مرا رنج (باید) رنج — نهاد ۴

ت) کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز / به جرئت کرد روزی بال و پر باز
کبوتر بچه — نهاد ۱

۱۰ الف) ز — از / ز — از؛ ب) فُتاد — افتاد / ز — از؛
پ) گه — گاه / گاه — گاه / گه — گاهی / گهی — گاهی
۱۱ قصاید - قطعات
۱۲ گفت‌وگو / مناظره
۱۳ بایزید بصطامی — بایزید بصطامی / درخواست کرد — درخواست کرد
درخواست کرد / مستجاب — مستجاب / شوغ پرواز — شوق پرواز
۱۴ هیئت، هیأت / مسئله، مسأله

درس هشتم: زندگی همین لحظه‌هاست

- ۱ الف) دیروز گذشته است، پس آن را یادآوری نکن و برای فردا که هنوز نیامده، نگران نباش و داد و فریاد نکن. به آنچه که هنوز نیامده و آنچه که گذشته است، اعتماد نکن. الان خوش باش و عمرت را به هدر نده؛ ب) فرصت‌ها مانند عبور ابرها در گذر هستند و می‌روند. فرصت‌های خوب و گران‌قدر را از دست نده و از آن‌ها استفاده کن؛ پ) عمر واقعی ما را شناسنامه و سن نوشته‌شده در آن مشخص نمی‌کند.



۳ الف) منحرف نشویم؛ ب) غمگین و ناراحت هستیم؛ پ) باغ - دنیا؛
ت) تجربه - راه و رسم زندگی

۴ الف) آزادگی

۵ گزینه «الف»

۶ گزینه «ب»

۷ نهاد: جوانان مؤمن / متمم: درس خواندن / مفعول: فردای شکوهمندی /
فعل: می سازند

۸ الف) با خودش زیر لب چنین گفت: / آرزوهایتان چه رنگین است!
جمله اول (خبری) / جمله دوم (عاطفی)

ب) هجوم فتنه‌های آسمانی / مرا آموخت علم زندگانی
یک جمله (خبری)

۹ نیست، باشید

۱۰ الف) تشبیه: من (مشبه)، چون (ادات تشبیه)، نگهبان (مشبه‌به) /
تو (مشبه)، چون (ادات تشبیه)، گنج (مشبه‌به)؛ ب) تشخیص: برخاستن
و گفتن به گل نسبت داده شده است.

۱۱ برای آن که آینده‌ای روشن داشته باشیم، باید از عقل و هوشمان
کمک بگیریم و تلاش کنیم. با پشتوانه ایمان و فقط با حرف زدن آینده
ساخته نمی‌شود.

۱۲ آسمان روشن شد.

۱۳ زیرا مانند گلدان خالی زشت است و انسان را آزار می‌دهد.

۱۴ زیرا با صرف وقت می‌توان طلا خرید ولی با طلا نمی‌توان زمان را برگرداند.

۱۵ الف) با تو یاد هیچ کس نبود روا؛ ب) که بخشیدی ز پیش - دریاهای
خوش

۱۶ الف) مخزن الاسرار؛ ب) خانه‌ای برای شب

درس نهم: نصیحت امام (ره)، شوق خواندن

۱ الف) همان‌طور که یک انار رسیده و ترک خورده (خندان) باغ را
زیبا می‌کند، هم‌نشینی با جوانمردان هم تو را جزو آن‌ها می‌کند؛ ب) به
تکلیف‌های اسلامی که انسان را برای استفاده از نعمت‌های خدا آماده
می‌کند، عمل کنی؛ ب) دوباره علاقه به خواندن و مطالعه در درون او
ایجاد شد؛ ت) رفتن به حرم و زیارت حضرت معصومه (س) باعث آرامش
روحی او می‌شد و پرداختن به علم، فکر او را آرام می‌کرد.

۲ الف) خواندن؛ ب) قدر دانستن، بهره بردن؛ پ) پاکدلی؛ ت) بهره

۳ تأثیر هم‌نشینی

۴ خواندن درس‌ها، عمل به وظایف اسلامی، داشتن اخلاق نیکو،
اطاعت و خدمت به پدر و مادر و معلم‌ها

۵ توجه هم‌زمان به علم و معنویات

۶ زیرا می‌گفتند که او امام بزرگواری است که از همه گناهان به دور
است و مدت چهل سال است که نماز شب او ترک نشده است.

۷ الف) کنجکاو و دقیق؛ ب) خیره؛ پ) نصیب او؛ ت) بزرگ‌تر

۸ الف) باغ سرسبز شده بود.

مسند

ب) گل‌ها پژمرده گشتند.

مسند

پ) ما خوشحال هستیم.

مسند

۹ الف) گذاشتند؛ ب) پایه‌گذاری؛ پ) شکرگزار؛ ت) برگزار

۱۰ الف) (س) سلام الله علیها، سلام الله علیه؛ ب) (ص) صلی

الله و علیه و آله؛ پ) (ع) علیه السلام؛ ت) (ره) رحمة الله علیه

درس دهم: کلاس ادبیات، مرواریدی در صدف، زندگی حسابی، فرزند انقلاب

۱ الف) زمانه مطیع تو نمی‌شود. تو چرا مطیع شدی؟ بلند شو و مبارزه
کردن را بیاموز؛ ب) در روز به فکر آب و دانه باش، شب هم استراحت
کن؛ پ) ای سعدی، به جان عاشقان سوگند می‌خورم که اگر همه جهان
را هم داشته باشی، ارزش آن را ندارد که کسی را از خود ناراحت کنی؛
ت) گل مدتی مرا هم‌نشین خود کرد و با این کار، باعث افتخار من شد؛
ث) همه گل‌های دنیا را امتحان کردم ولی مانند تو گل خوشبویی را
ندیدم و همین باعث شگفتی من شد.

۲ الف) روزی، خوراک؛ ب) (مفرد: نابغه) تیزهوشان؛ پ) آسایش؛
ت) خوب، نیکو

۳ آزار نرساندن به دیگران

۴ تجربه کردن

۵ گندم از گندم بروید، جو ز جو

۶ تأثیر هم‌نشینی

۷ زیرا راه شکوفایی و استقلال کشور را در تلاش و کوشش افراد جامعه
می‌دانست.

۸ الف) تشخیص: منادا قرار دادن غیر از انسان و غیر خدا ایجاد آرایه
تشخیص می‌کند. (ای مرغک خُرد)؛ ب) تشبیه: مُلک وجود — وجود
(مشبه)، ملک (مشبه‌به) / کنایه: نمی‌ارزد — ارزش ندارد؛ پ) کنایه:
وجود ضرب‌المثل در هر بیتی ایجاد آرایه کنایه می‌کند؛ ت) تشخیص:
گفتن و شنیدن برای گل / کنایه: ناچیز — بی‌ارزش

۹ نیرومند

۱۰ الف) درست؛ شب و روز تضاد دارند؛ ب) درست

- ۱۱
- _____
- _____
- _____
- _____

۱۲ الف) گفت (ماضی) / دید (ماضی)؛ ب) شنیدستم — شنیدم

(ماضی)؛ پ) توانی — می‌توانی (مضارع یا حال) / مگشای — نگشا

(نهی) / مکن — نکن (نهی)؛ ت) آب زیند — آب بزیند (امر) /

می‌رسد (مضارع) / دهید (امر) / می‌رسد (مضارع)



۹ صلاح کار کجا و من خراب کجا / ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا خیر و نیکی دشمن در جنگ هشت‌ساله از سیلاح‌های پیشرفته استفاده کرد. ابزار جنگی

درس دوازدهم: خدمات متقابل اسلام و ایران

۱ الف) درود و ستایش بر خدایی که جان را آفرید. کسی که به انسان خاکی جان و ایمان بخشید؛ (ب) دانش و دین تو را به رهایی و رستگاری می‌رساند، پس به دنبال راه رستگاری باش؛ (پ) به کمک گفتار پیغمبرت راه درست را پیدا کن و با این گفتار (گفتار پیامبر) که مانند آب روان و زلال است، آلودگی گناه را از خود دور کن؛ (ت) با این اعتقاد زاده شده‌ام و با همین اعتقاد هم از دنیا می‌روم. بدان که من بسیار به حضرت علی احترام می‌گذارم.

۲ الف) عظیم؛ (ب) (مفرد: ادیب) اهل ادب؛ (پ) (مفرد: مظهر) نشانه‌ها؛ (ت) جانشین

۳ پیامبر(ص) و حضرت علی(ع)

۴ گفتار پیامبر(ص)

۵ انسان

۶ عمل به گفته‌های پیامبر

۷ پیروی از دانش و دین

۸ امید به بهشت رفتن

۹ سلمان از ما اهل بیت است و مفهوم آن نزدیک بودن و بالا بودن مقام سلمان فارسی به پیامبر است و این‌که در دین اسلام نژاد مهم نیست، بلکه دین‌داری شرط بالا بودن و مقرب بودن است.

۱۰ الف) دام / بلا ← تشبیه / مشبه به / مشبه

(ب) چشم‌داشتن کنایه از انتظار داشتن؛ (پ) خاک پای کسی بودن کنایه از نهایت احترام را به کسی گذاشتن؛ (ت) تکرار واژه «جان»

۱۱ تو

۱۲ «ت» در پیغمبرت

۱۳ الف) مفعول ← تو، در رستگاری / نهاد ← دانش و دین و در مصراع دوم «تو» که محذوف است؛ (ب) مسند ← بوی شکل کهنهٔ فعل «باشی» است، پس رستگار مسند است و نیکوکار در جمله دوم نقش

مسندی دارد. / متمم ← دو گیتی، کردگار

۱۴ تذکره الاولیا - منطق الطیر

۱۵ تماشگاه راز - داستان راستان

۱۶ بسیاری از مبانی فرهنگی و دینی انقلاب اسلامی

۱۷ شاهنامه ۲۵ یا ۳۰ سال

۱۸ دو (ضهور ← ظهور / عظیم ← عظیم)

۱۹ الف) نادرست؛ نظیر ← نظیر؛ (ب) نادرست؛ غلط املایی وجود ندارد.

۱۳ الف) زالی ← نهاد / فرزند خویش ← متمم / ش ← مفعول؛ (ب) این روز ← متمم / من ← متمم / تو ← نهاد

شیرمردی ← شیرمرد (هستی) / من ← نهاد / پیرزن (هستم) مسند مسند

(پ) رام تو ← مسند / زمانه ← نهاد / رمیدن ← مفعول

۱۴ الف) نظام وفا؛ (ب) رمزگونه؛ (پ) بهجت؛ (ت) حیدرآبادیه سلام؛ (ث) سبک‌شناسی

۱۵ افسانه، ای شب و قصهٔ رنگ‌پریده

۱۶ نیما یوشیج

۱۷ الف) قرائت؛ (ب) تلاوت؛ (پ) فراغت؛ (ت) صلاح؛ (ث) فارغ

۱۸ فراغ به معنی آسودگی است، مثال: بعد از تمام شدن امتحانات دوران فراغ آغاز می‌شود.

فراق به معنی جدایی است، مثال: فراق از دوستان برای من سخت بود.

درس یازدهم: عهد و پیمان، عشق به مردم، رفتار بهشتی، گرمای محبت

۱ الف) فروتن؛ (ب) میدان؛ (پ) خوی، ویژگی؛ (ت) درنگ

۲ الف) درست؛ (ب) نادرست؛ این جمله از شهید رجایی است.

۳ من دیر نمی‌آیم، شما هم دیر نیاید. / من غیبت نمی‌کنم، شما هم غیبت نکنید. / من به شما دروغ نمی‌گویم، شما هم به من دروغ نگویید. / من به هر قولی که به شما بدهم وفا می‌کنم، شما هم به هر قولی که به من می‌دهید، وفا کنید. / من خود را موظف می‌دانم که برای خیر و صلاح شما تلاش کنم، شما هم خودتان را موظف بدانید که به توصیه‌های من عمل کنید و تکالیف تعیین‌شده را به انجام برسانید.

۴ الف) فعل دوم بیت، «می‌برم»، اول شخص مفرد است؛ (ب) فعل اول بیت، «خورد» ← سوم شخص مفرد و فعل دوم بیت، «می‌پسندی»

← دوم شخص مفرد

۵ الف) می‌دانم - تلاش کنم / اول شخص مفرد / اول شخص مفرد

(ب) نکردی - تو شیرمرد (هستی) و من پیرزن (هستم) / دوم شخص مفرد / دوم شخص مفرد

(پ) بنگرم - ببینم - بنگرم - ببینم / اول شخص مفرد / اول شخص مفرد / اول شخص مفرد / اول شخص مفرد

۶ الف) درست «ترسیدم»؛ (ب) درست

فعل دوم: عرق کرده (بود) ← «سوم شخص مفرد»

فعل سوم: خسته بود ← «سوم شخص مفرد»

فعل پنجم: پیدا کند ← «سوم شخص مفرد»

۷ الف) نادرست؛ مشاور فرهنگی شهید رجایی بود؛ (ب) نادرست؛ کیومرث صابری اولین هفته‌نامهٔ طنز بعد از انقلاب را منتشر کرد؛ (پ) درست؛ (ت) درست

۸ ضیارت ← زیارت / هرم ← حرم / حضرت ← حضرت / سخن ← سخن



درس سیزدهم: آسوه نیکو

۱ الف) ماه با تمام زیبایی در برابر زیبایی صورت پیامبر (ص) شگفت زده شده است. حتی درخت سرو هم تناسب قامت پیامبر را ندارد؛ (ب) ای سعدی اگر می‌خواهی عاشقی و جوانی کنی، عشق محمّد و خاندان او برای تو بس است؛ (پ) تمامی پیامبران از جمله آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی زیر سایه پیامبر اکرم (ص) هستند؛ (ت) چراغ به‌خاطر انسان‌های کوتاه‌فکر است؛ (ث) ناینایی چراغ به‌دست و کوزه‌ای بر روی دوشش داشت و در راهی می‌رفت.

۲ الف) مهربانی؛ (ب) مهربان؛ (پ) غمناک؛ (ت) ستم و زورگویی

۳ الف) نادرست؛ تجاوز از حریم قانون از آداب سخن گفتن نیست؛ (ب) نادرست؛ مصراع دوم به قد و قامت پیامبر اشاره دارد.

۴ مقام بالای پیامبر (ص)

۵ بهترین عشق، عشق ورزیدن به پیامبر (ص) و اهل بیت است.

۶ کوتاه‌فکر و ظاهرین

۷ با آن‌ها با مهربانی رفتار می‌کرد و می‌گفت: فرزندان ما پاره جگر ما هستند.

۸ الف) فروماندن ماه ← تشخیص؛ (ب) آدم، نوح، خلیل و موسی و عیسی تناسب دارد.

۹ الف) می‌شنوم، می‌اندازند، برمی‌خیزیم؛ (ب) مضارع؛ (پ) ماضی

۱۰ الف) رهند (مضارع بن ← رهان)؛ (ب) جوی (مضارع بن ← جوی) /

شوی (مضارع بن ← شوی)؛ (پ) بگذرم (مضارع بن ← گذر) / دان (امر بن ← دان)

۱۱ بهارستان - نجات‌الانس

۱۲ هفت‌اورنگ

۱۳ نظم - نثر آمیخته با شعر

۱۴ آسوه ← آسوه / اوغات ← اوقات / دادخاهی ← دادخواهی / طحّقل ← تجمّل

درس چهاردهم: امام خمینی (ره)

۱ الف) به دست مزدبگیران خان به‌طور ناجوانمردانه و ظالمانه به‌وسیله گلوله تفنگ کشته شد و به شهادت رسید؛ (ب) شبی غمناک و پر از تلخی و ناراحتی که دوست‌داشتنی‌ترین شخصیت میان مسلمانان از دنیا رفت؛ (پ) دیدم شرایط مناسب نیست و امکان ماندن نیست؛ (ت) مادرم عصبانی شد و فریاد کشید؛ (ث) اگر این حرف‌های ناراحت‌کننده را برای سنگ می‌گفتم، به گریه می‌افتاد.

۲ الف) رهبری؛ (ب) جنبش؛ (پ) تسویه‌حساب؛ (ت) از کاری سر باز زدن؛ (ث) کوتاهی؛ (ج) جنگجویانی که در گروه‌های کوچک با ترفندهای ویژه‌ای مبارزه می‌کنند.

۳ الف) درست؛ (ب) نادرست؛ حوزه علمیه قم را آیت‌الله عبدالکریم حائری تأسیس کردند.

۴ آیت‌الله العظمی بروجردی

۵ مهربانی، سادگی، فروتنی، خوش‌بینی، نظم و دقت و سیمای جذاب

۶ الف) تشبیه: (مادر: مشبه)، (شیر: مشبه‌به) // (ژیان یا خشمگین: وجه‌شبهه)، (مثل: ادات‌تشبیه)؛ (ب) بوی شیر دادن دهان کسی کنایه از بچه بودن اوست؛ (پ) تشبیه: (من: مشبه)، (رعد: مشبه‌به) / سرعت زیاد (وجه‌شبهه)، (مثل: ادات‌تشبیه)؛ (ت) آب‌غوره گرفتن کنایه از گریه کردن

۷ الف) درست؛ «کنایه از راضی نبودن مادر از فرزند»؛ (ب) نادرست؛ کنایه از اذیت کردن زیاد

۸ الف) گفتم: ماضی / می‌بخشید: مضارع / در رفت: ماضی؛

(ب) گذاشتم: ماضی / حاضر شد: ماضی؛ (پ) گفتم: ماضی / می‌دانی: مضارع / نیست: منفی

۹ انداختیم ← انداختن / ایستادند ← ایستادن / بشورند ← شستن / رفتی ← رفتن / گشت ← گشتن

۱۰ الف) نجشیدیم (چشید) / رفت (رفت) / ندیدیم (دید) / برفت (رفت)؛ (ب) غلتید (غلتید) / رفت (رفت) / خواند (خواند)؛ (پ) پرید (پرید) / گذشت (گذشت)؛ (ت) بستند (بست) / شکستند (شکست)

۱۱ پری در آبگینه - دوشنبه‌های آبی ماه

۱۲ ۱۳۴۱

۱۳ امیرحسین فردی

۱۴ الف) نادرست؛ اعتراض نادرست و املائی درست آن، اعتراض است؛ (ب) درست

۱۵ مایع افتخار ← مایه افتخار / سوع ظن ← سوء ظن / پل سراط ← پل صراط / الحمد لله ← الحمد لله / هجوم ← هجوم / مهوّه حیاط ← مهوّه حیاط

درس شانزدهم: آدم‌آهنی و شاپرک

۱ الف) نتیجه خوبی ندهد؛ (ب) حالش خوب شده بود؛ (پ) مغرور شد.

۲ الف) آزاردهنده؛ (ب) سخن آرام؛ (پ) زیر لب سخن گفتن

۳ گزینۀ «الف»

۴ زیرا با بقیه فرق داشت و با او رفتاری متفاوت از بقیه بازدیدکنندگان داشت و او را تروم عزیز صدا می‌کرد.

۵ الف) خواهم شد (رفت) ← اول شخص مفرد، خواهم ماند ← اوّل شخص مفرد؛ (ب) خواهم شدن (رفت) ← اوّل شخص مفرد

۶ می‌خواهیم ← خواهیم خواست / نوشتند ← خواهند نوشت / می‌آمد ← خواهد آمد / رسیدی ← خواهی رسید / می‌گرید ← خواهد گریست

۷

خواهیم صدا کرد (اوّل شخص جمع)	خواهم صدا کرد (اوّل شخص مفرد)
خواهید صدا کرد (دوم شخص جمع)	خواهی صدا کرد (دوم شخص مفرد)
خواهند صدا کرد (سوم شخص جمع)	خواهد صدا کرد (سوم شخص مفرد)

مانند کلیدی است که می‌تواند هر چیز فرو بسته و پیچیده‌ای را حل کند. (ب) دانش اندکی که در گذشته به ما داده‌ای، به دانش بیکران خودت متصل کن. (پ) اول باید دو پایت را قدرتمند کنی، بعد به فکر ایستادن باشی. (ت) تو را دانش و دین رهایی می‌دهد. باید به دنبال راه رستگاری و خوشبختی باشی. (ث) خدایا تو را به حق افراد خوب و مقربان درگاهت قسم می‌دهم حال بد ما را خوب کن. (ج) اگر محبت خود را از تو بگیرم و دیگر عاشق تو نباشم، می‌توانم چه کسی را دوست داشته باشم؟ (دیگر کس دیگری را نمی‌توانم دوست داشته باشم). (چ) ای تن به‌خاطر خدا سختی بکش. (ح) تو هم اگر بخوابی، بهتر از آن است که غیبت مردم را بکنی.

- ۲ الف) معجزه؛ (ب) درستی؛ (پ) عاشق؛ (ت) توانایی؛ (ث) الگو؛ (ج) غمناک؛ (چ) سرسپرده؛ (ح) طلب آمرزش و مغفرت برای مُرده
- ۳ الف) گمراهی؛ (ب) نماز صبح
- ۴ گزینه «الف»
- ۵ الف) درست؛ (ب) درست
- ۶ استقلال کشور
- ۷ حال خوب
- ۸ پیامبر(ص)، حضرت علی(ع)
- ۹ مرا ← به من علم زندگانی
متمم مفعول
- ۱۰ الف) کنجکاو ← دقیق؛ (ب) شگفت‌انگیز ← جذاب
- ۱۱

شمار	شخص	بُن	زمان	فعل
جمع	سوم	بین	مضارع	بینند
جمع	دوم	گرفت	ماضی	گرفتید

- ۱۲ زیستن و زندگی زیبا فقط همان فرصت‌هایی است که با رفتارهای زیبا و کارهای بزرگ می‌گذرد. بقیه روزها و سال‌های ما جزء عمر واقعی ما محسوب نمی‌شود.
- ۱۳ حرم حضرت معصومه و معنویات باعث آرامش روح او می‌شد و درس و تحصیل، اندیشه و فکر او را راضی می‌کرد.
- ۱۴ سلمان فارسی از ما اهل بیت است؛ یعنی سلمان فارسی از مقام بالایی برخوردار است و ملاک برادری افراد نژاد و زبان نیست، بلکه ایمان و تقوا ملاک برتری انسان‌ها است.
- ۱۵ علی اسفندیاری ← ای شب / عطار نیشابوری ← منطق الطیر / نادر ابراهیمی ← دور از خانه / خواجوی کرمانی ← گل و نوروز
- ۱۶ تو را دانش و دین رهاوند دُرست / در رستگاری بیایدت جُست
چو خواهی که یابی ز هر بد، رها / سر اندر نیاری به دام بلا

- ۸ سرو نماد بلندقامتی و ایستادگی و آزادگی / ماه نماد زیبایی چهره
- ۹ الف) ویتانو ژیلینسکای؛ (ب) ملخ شجاع - دانه برفی که آب نشد - کرم کنجکاو - آدم آهنی و شاپرک
- ۱۰ الف) غزغز؛ (ب) مراقبت؛ (پ) مطمئن؛ (ت) اصلاً
- ۱۱ مرتباً ← مرتباً / رعیس ← رئیس / قرش ← غرش / به‌موقع ← به‌موقع / متعسفانه ← متأسفانه

درس هفدهم: ما می‌توانیم / نیایش

- ۱ الف) دل مرا گرفتار بی‌توجهی و غفلت که مانند آتش است، نکن و به‌وسیله آشنایی با حقایق، جان مرا، مانند شمعی، روشن و نورانی کن؛ (ب) به من کمک کن که زبان من رازهای خداوندی را بازگو کند، به من جانی بده که به دنبال دیدار با تو باشد؛ (پ) مرا از جمع مقربان و نزدیکان درگاهت دور نکن و مرا به راه راست هدایت کن، زیرا گمراه شدم؛ (ت) ای خدا ما را از این درگاه بندگی‌ات محروم نکن و ما را مانند گنجشکان از بارگاه خود دور نکن.
- ۲ الف) پافشاری؛ (ب) همیشگی؛ (پ) همراه؛ (ت) باطل کردن؛ (ث) مجلس سوگواری؛ (ج) عطا کردن
- ۳ الف) مشورت کردن؛ (ب) رهایی از غفلت و بی‌توجهی؛
- ۴ گزینه «ب»
- ۵ گمراه شدم
- ۶ زیرا با دفن کردن آن، دیگر «نمی‌توانم» مانع آن‌ها برای رسیدن به اهدافشان نشود.
- ۷ الف) تشبیه: ما (مشبه)، گنجشکان (مشبه‌به)، چو (ادات تشبیه)؛ (ب) آتش غفلت (اضافه تشبیهی)؛ غفلت (مشبه) - آتش (مشبه‌به) / شمع جان (اضافه تشبیهی)؛ جان (مشبه) - شمع (مشبه‌به)؛ (پ) تضاد: نیک، بد؛ (ت) دست‌گیری کردن کنایه از یاری کردن / ازدست‌رفتن کنایه از گمراه شدن؛ (ث) تضاد: دور، نزدیک / از راه افتادن کنایه از گمراه شدن
- ۸ الف) جان‌آفرین؛ (ب) نوکاران؛ (پ) گوینده؛ (ت) زندگی‌پرداز؛ (ث) منتظران، شکفتن، گل‌ها، گلشن
- ۹ کمال‌نامه - گوهرنامه
- ۱۰ گل و نوروز
- ۱۱ کلیک مورمان
- ۱۲ بلاخره ← بلاخره / حضور ← حضور / تسهیلات ← تسهیلات
- ۱۳ الف) درست؛ (ب) نادرست؛ کاحدان غلط است و املائی درست آن کاهدان است.

آزمون نوبت دوم

- ۱ الف) ای کسی که برطرف‌کننده مشکل همه موجودات هستی، نام تو



سوالات تستی

سیر تا پیاز

- | | |
|-----|---|
| ۱۴۹ | ستایش / درس اول: زنگ آفرینش |
| ۱۵۱ | درس دوم: چشمه معرفت |
| ۱۵۴ | درس سوم: نسل آینده ساز |
| ۱۵۶ | درس چهارم: با بهاری که می رسد از راه... |
| ۱۵۸ | درس ششم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟ |
| ۱۶۱ | درس هفتم: علم زندگانی |
| ۱۶۴ | درس هشتم: زندگی همین لحظه هاست |
| ۱۶۷ | درس نهم: نصیحت امام (ره)، شوق خواندن |
| ۱۷۰ | درس دهم: کلاس ادبیات، مرواریدی در صدف... |
| ۱۷۴ | درس یازدهم: عهد و پیمان، عشق به مردم... |
| ۱۷۵ | درس دوازدهم: خدمات متقابل اسلام و ایران |
| ۱۷۸ | درس سیزدهم: اسوه نیکو |
| ۱۸۰ | درس چهاردهم: امام خمینی (ره) |
| ۱۸۲ | درس پانزدهم: چرا زبان فارسی را دوست دارم؟ |
| ۱۸۳ | درس شانزدهم: آدم آهنی و شاپرک |
| ۱۸۵ | درس هفدهم: ما می توانیم / نیایش |
| ۱۸۸ | آزمون جامع تستی ۱ |
| ۱۹۰ | آزمون جامع تستی ۲ |
| ۱۹۲ | پاسخنامه تشریحی |



(پاسخ‌های تشریحی را در صفحه ۱۹۲ مطالعه کنید.)

ستایش: یاد تو / درس اول: زنگ آفرینش

معنی واژگان

۱ در عبارت زیر معنای چند واژه **نادرست** نوشته شده است؟

(عنایت: موافقت) (درازدستی: ستمگر) (اندرز: پند) (کام: میل) (روان: روح)

یک (۱) ● دو (۲) ● سه (۳) ● چهار (۴) ●

۲ مترادف واژه «توفیق» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) سایه‌ای بر دل ریشم فکن ای گنج روان ●
 ۲) از رفیقان موافق، شوق می‌گردد زیاد ●
 ۳) ای کاش که بخت سازگاری کردی ●
 ۴) ز خارزار تعلق کشیده‌امان باش ●
- که من این خانه به سودای تو ویران کردم
 می‌کند باد بهار آتش‌عنان دیوانه را
 با جور زمانه یار، یاری کردی
 به هرچه می‌کشدت دل از آن گریزان باش

املا و واژه‌شناسی

۳ در کدام گزینه هم‌خانواده‌های بیشتری وجود دارند؟

- ۱) من که باشم در آن حرم که صبا ●
 ۲) جام جهان‌نماست ضمیر منیر دوست ●
 ۳) هر که ترسد ز ملال‌انده عشقش نه حلال ●
 ۴) دمی با نیک‌خواهان متفق باش ●
- پرده‌دار حریم حرمت اوست
 اظهار احتیاج خود آن‌جا چه حاجت است
 هر که این آب خورد رخت به دریا فکنش
 غنیمت دان امور اتفاقی

۴ در کدام گزینه واژه‌های هم‌آوا دیده می‌شود؟

- ۱) بر سر آنم که گر ز دست برآید ●
 ۲) از آن دمی که ز چشمم برفت رود عزیز ●
 ۳) رفیق خیل خیالم و همنشین شکیب ●
 ۴) مظهر لطف ازل روشنی چشم امل ●
- دست به کاری زخم که غصه سرآید
 کنار دامن من همچو رود جیحون است
 قرین آتش هجران و هم‌قران فراق
 جامع علم و عمل جان جهان شاه شجاع

۵ در کدام گزینه **غلط املایی** وجود دارد؟

- ۱) دانش‌آموزان از جا برخاستند. ●
 ۲) راه مدرسه ما قریب است. ●
 ۳) معلم از ما برگه امتحانی خاست. ●
 ۴) بچه‌ها از درس فارغ شدند. ●

معنا و مفهوم

۶ در عبارت زیر کدام صفت «مذمت» شده است؟

«جان پدر! تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین خلق اُفتی.»

۱) تهمت‌زدن ● ۲) غیبت‌کردن ● ۳) مردم‌آزاری ● ۴) ستمگری ●

۷ در بیت «از ظلمت خود رهایی‌ام ده / با نور خود آشنایی‌ام ده» منظور از خود در هر مصراع چیست؟

۱) شاعر - خدا ● ۲) خدا - شاعر ●
 ۳) بندگان - مقربان درگاه حق ● ۴) مقربان درگاه حق - بندگان ●

۸ در عبارت زیر منظور از قسمت‌های مشخص‌شده چیست؟

«بینایی ده تا در **چاه** نیفتیم.»

۱) راه راست - راه نادرست ● ۲) نور - ظلمت ●
 ۳) گمراهی - آگاهی ● ۴) آگاهی - گمراهی ●


۹ بیت زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی بیشتری دارد؟
«حق اندر وی ز پیدایی است پنهان»

یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد
 برو از بهر او چشم دگر جوی
 همه عالم کتاب حق تعالی است
 نشانی داده‌اند از دیده خویش

«جهان، جمله فروغ روی حق دان»

۱) فضل خدای را که تواند شمار کرد
 ۲) خرد را نیست تاب نور آن روی
 ۳) به نزد آن که جاننش در تجلی است
 ۴) در او هر چه بگفتند از کم و بیش

۱۰ منظور از «کار آن جهان سازیم» چیست؟

۲) انجام کارهای خیر برای آخرت
 ۴) تلاش برای پیشرفت در کاری

۱) انجام امور روزانه
 ۳) حل مشکلات دنیایی

دانش زبانی
۱۱ تعداد جملات در کدام گزینه با بقیه تفاوت دارد؟

آنجا، قَدَمِ رسان که خواهی
 با نورِ خود آشنایی‌ام ده
 هم نامهٔ نانوشته، خوانی
 ابر باشم، دوباره آب شوم

۱) هم تو، به عنایت الهی
 ۲) از ظلمتِ خود، رهایی‌ام ده
 ۳) هم قصهٔ نانموده، دانی
 ۴) ذره‌ذره به آسمان بروم

۱۲ کدام گزینه تعداد جملات بیشتری دارد؟

سر پیش هم آریم و دو دیوانه بگیریم
 ورنه هرگز گل و نسرین ندمد ز آهن و روی
 مگر این پنج‌روزه دریابی
 حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

۱) نیماغم دل گو که غریبانه بگیریم
 ۲) روی جانان طلبی آینه را قابل ساز
 ۳) ای که پنجاه رفت و در خوابی
 ۴) در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد

۱۳ در کدام گزینه شبه‌جمله دیده نمی‌شود؟

در دل آسمان، رها باشم
 کاش با باد رهسپار شوم
 بچه‌ها، آرزوی من این است!
 کاش می‌شد کنار هم باشیم

۱) روی هر شاخه جیک‌جیک کنم
 ۲) جوجهٔ کوچک پرستو گفت:
 ۳) کاش روزی به کام خود برسید،
 ۴) جوجه‌های کبوتران گفتند:

دانش ادبی
۱۴ در کدام گزینه علاوه بر آرایهٔ جان‌بخشی، تضاد هم وجود دارد؟

حق اندر وی ز پیدایی است پنهان
 فارغ از سنگ بچه‌ها باشم
 رفت و انشای کوچکش را خواند
 روز و شب، زائر حرم باشیم

۱) جهان، جمله فروغ روی حق دان
 ۲) جوجه‌گنجشک گفت: می‌خواهم
 ۳) دانه آرام بر زمین غلتید
 ۴) توی گلدسته‌های یک گنبد

۱۵ در کدام گزینه آرایهٔ «تشبیه» دیده نمی‌شود؟

کوتسه ز دَرَت، درازدستی
 نام تو، کلید هرچه بستند
 مثل لبخند، باز خواهم شد
 هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار

۱) ای هست‌کن اساس هستی
 ۲) ای کارکشای هرچه هستند
 ۳) غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم
 ۴) برگ درختان سبز، در نظر هوشیار



۱۶ در تمام گزینه‌ها آرایهٔ بیت زیر دیده می‌شود به جز ...

- «بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند»
 (۱) از ظلمتِ خود، رهایی‌ام ده
 (۲) تا معلّم ز گِردِ راه رسید
 (۳) ای هست گُنِ اساسِ هستی
 (۴) با نسیم بهار و بلبَل باغ
- «باز هم در کلاس غوغا بود»
 با نورِ خود آشنایی‌ام ده
 گفت با چهره‌ای پر از خنده
 کوتاه ز دَرَت، درازدستی
 گرم رازونیا از خواهم شد

تاریخ ادبیات

۱۷ کدام گزینه در مورد تقلیدکنندگان از گلستان سعدی نادرست است؟

- (۱) جامی در «بهارستان»
 (۲) قآنی در «پریشان»
 (۳) قائم‌مقام فراهانی در «منشآت»
 (۴) نظامی در «مخزن‌الاسرار»

۱۸ نثر خواجه عبدالله انصاری و اثر او است.

- (۱) تفسیری - اسرارنامه (۲) عربی - مناجات‌نامه
 (۳) مسجّع - الهی‌نامه (۴) دشوار - اسکندرنامه

(پاسخ‌های تشریحی را در صفحات ۱۹۴-۱۹۲ مطالعه کنید.)

درس دوم: چشمهٔ معرفت

معنی واژگان

۱ معنای واژه‌های «اعجاز، زلال و مویه» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) ناتوانی، گوارا، موی پیشانی
 (۲) کاری شگفت انجام دادن، صاف، شیون
 (۳) معجزه، خوش، زاری
 (۴) شگفت‌زده، خوش، ناله

۲ معنای چند واژه درست است؟

(معصوم: پاک) (رُوله: همسر) (تقلاً: به سختی افتادن) (خُرناسه: صدای ناهنجاری که از گلو یا بینی شخص بیرون آید).

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
 (۱) نوعی کلاه نمدی (۲) لباس نوزاد
 (۳) معنای واژهٔ «گالش» در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) نوعی کلاه نمدی (۲) لباس نوزاد (۳) ملحفه (۴) نوعی کفش

املا و واژه‌شناسی

۴ تعداد غلط‌های املائی در کدام گزینه با تعداد غلط‌های متن زیر یکسان است؟

«قرغهٔ شکوه و اعجاز زیبایی خلقت بودم که ناگهان جازیهٔ خالق را در وجودم لمس کردم.»

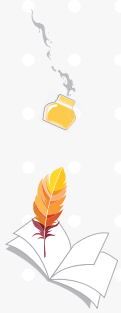
- (۱) آب، این روح مزاب امید و زندگی با گام‌های استوار می‌رفت تا خود را به دهان صدها کشتزار سوخته مزرعه‌ها برساند.
 (۲) اقا یقین دارم که در کلاس شگفت آفرینش و تبیعت، عضمت و جلال را درک کرده و لحظه‌های خوشی داشتم.
 (۳) کودکان پرنشات گل‌بوته‌ها و نوجوانان امیدوار زرت‌ها در گوش نسیم، آمین می‌گفتند.
 (۴) گویی با هر یک از آنان آشنایی دیرینه دارم و با همهٔ آن‌ها رفیق و خیشاوندم.

۵ در کدام گزینه کمترین نادرستی املائی دیده می‌شود؟

- (۱) به نشانهٔ احترام و وداع خم شده است.
 (۲) آخرین نکته از نضرم ناپدید شد.
 (۳) سرشار از سفا و پاکی خالغ است.
 (۴) گرگ دوده می‌کشید و کمک می‌خواست.

۶ هم‌خانوادهٔ واژه‌های «تحقیق، تفاخر، مخدوم، خلاق، اقامت» در کدام گزینه وجود دارد؟

- (۱) عالم‌علم و سپهر جود محمود آن‌که هست
 (۲) خدمت حق کن به هر مقام که باشی
 (۳) پادشاه علما صدر جهان خواجهٔ شرع
 (۴) تا مرا عشق تو تعلیم سخن گفتن کرد
 افتخار روزگار و اختیار شهریار
 خدمت مخلوق افتخار ندارد
 مایهٔ فخر و شرف قاعدهٔ فضل و هنر
 خلق راورد زبان مدحت و تحسین من است



نام:

آزمون

کلاس:

نام خانوادگی:

آزمون جامع تستی ۲

تاریخ: / /

۱۰ آرایه‌های کدام گزینه نادرست ذکر شده‌اند؟

- ۱) منتظران بهار فصل شکفتن رسید
- ۲) نمودش بس که دور آن راه نزدیک
- ۳) بر درختی شکوفه‌ای خندید
- ۴) این زندگی حلال کسانی که همچو سرو

- مژده به گل‌ها برید، یار به گلشن رسید ← (مراعات‌النظیر - تکرار)
- شدش گیتی به پیش چشم تاریک ← (تضاد - کنایه)
- در کتابی بهار معنا شد ← (تشخیص - مراعات‌النظیر)
- آزاد زیست کرده و آزاد می‌روند ← (تکرار - تشبیه)

۱۱ در تمام گزینه‌ها آرایه «کنایه» وجود دارد به‌جز...

- ۱) فتاد از پای، کرد از عجز فریاد
- ۲) بر نامده و گذشته بنیاد مکن
- ۳) همه عالم تن است و ایران دل
- ۴) اگر چشم داری به دیگر سرای

- ز شاخی مـادش آواز درداد
- حالی خوش باش و عمر بر باد مکن
- نیست گوینده زین قیاس خجل
- به نزد نبی و وصی گیر جای

۱۲ در تمام گزینه‌ها قافیه نقش متممی دارد به‌جز...

- ۱) مکن دورم ز نزدیکیان درگاه
- ۲) کنون گر دست گیری جای آن هست
- ۳) چو خواهی که یابی ز هر بد رها
- ۴) معطر بود و خوب و دلپذیری

- به راه آور مرا کافتادم از راه
- که گر دستم نگیری، رفتم از دست
- سر اندر نیاری به دام بلا
- بدو گفتم که مشکی یا عبیری

۱۳ در تمام گزینه‌ها مسند وجود دارد به‌جز...

- ۱) چو گل بشنید این گفت‌وشنودم
- ۲) به دریا بنگرم دریا تو بینم
- ۳) نکردی در این روز بر من جفا
- ۴) به راستی که یکی از نوابغ ادب است

- بگفتا من گلی ناچیز بودم
- به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
- که تو شیرمردی و من پیرزن
- میان شاعرها تاکنون نظیرش نیست

۱۴ فعل‌های «اول شخص مفرد، دوم شخص جمع، سوم شخص جمع، سوم شخص مفرد» در کدام یک از ابیات زیر دیده می‌شود؟

الف) این زندگی حلال کسانی که همچو سرو / آزاد زیست کرده و آزاد می‌روند

ب) گفت باغی بزرگ خواهم شد / تا ابد سبز سبز خواهم ماند

پ) روشن و گرم و زندگی‌پرداز / آسمان مثل یک تبسم شد

ت) منتظران بهار، فصل شکفتن رسید / مژده به گل‌ها برید یار به گلشن رسید

۱) ب، ت، الف، پ

۲) پ، ت، ب، الف

۳) الف، ب، پ، ت

۴) الف، پ، ت، ب

۱۵ در کدام گزینه نام اثر و پدیدآورنده آن نادرست است؟

۱) افسانه ← علی اسفندیاری

۲) نفحات‌الانس ← جامی

۳) کمال‌نامه ← نظامی

۴) منطق‌الطیر ← عطار نیشابوری



ستایش: یاد تو / درس اول: زنگ آفرینش

- ۱ گزینۀ ۲ معنی واژه عنایت، توجه و معنی واژه درازدستی، ستمگری است.
- ۲ گزینۀ ۳ معنای واژه «توفیق»، سازگاری و موافقت است که در گزینۀ «۳» واژه «سازگاری» دیده می‌شود.
- ۳ گزینۀ ۱ حرم، حریم، حرمت
بررسی سایر گزینه‌ها:
۲ احتیاج، حاجت / ۳ هم‌خانواده‌ای وجود ندارد. / ۴ متفق، اتفاقی
- ۴ گزینۀ ۴ امل (آرزو)، عمل (کار)
- ۵ گزینۀ ۳ فعل «خواست» به معنی «طلب کردن» و فعل «خواست» به معنی «بلند شدن» است. پس در این گزینه، «خواست» نادرست و «خواست» درست است.
- ۶ گزینۀ ۲ مفهوم «در پوستین خلق افتادن»، غیبت کردن است.
- ۷ گزینۀ ۱ خود در مصراع اول به شاعر و در مصراع دوم به خداوند اشاره دارد.
- ۸ گزینۀ ۴ منظور از واژه «بینایی» ← بینش و آگاهی و منظور از واژه «چاه» ← گمراهی است.
- ۹ گزینۀ ۳ مفهوم بیت سؤال این است که خداوند را از نشانه‌ها و آفریده‌هایش می‌توان شناخت و مفهوم بیت گزینۀ «۳» نیز به همین نکته اشاره دارد.
- ۱۰ گزینۀ ۲ منظور از «آن جهان»، آخرت و کار چیزی را ساختن، کنایه از آماده‌شدن برای آن کار است.
- ۱۱ گزینۀ ۴ بررسی گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: هم تو، به عنایت الهی / آنجا، قَدَم رسان که خواهی

گزینۀ «۲»: از ظلمت خود، رهایی‌ام ده / با نور خود آشنایی‌ام ده

گزینۀ «۳»: هم قصه ناموده، دانی / هم نامه نانوشته، خوانی

گزینۀ «۴»: دَرّه‌دَرّه به آسمان بروم / ابر باشم، دوباره آب شوم

۱۲ گزینۀ ۱ بررسی گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: نیماغم دل گو که غریبانه بگیریم / سر پیش هم آریم و دود دیوانه بگیریم
منادا

گزینۀ «۲»: روی جانان طلبی آینه را قابل ساز / و نه هرگز گل و نسرين
ندمد ز آهن و روی

گزینۀ «۳»: ای که پنجاه رفت و در خوابی (هستی) / مگر این پنج‌روزه دریایی
منادا

گزینۀ «۴»: در نماز خم ابروی تو با یاد آمد / حالتی رفت که محراب
به فریاد آمد

۱۳ گزینۀ ۱ در تمام گزینه‌ها به جز گزینۀ «۱»، واژه «کاش» که شبه‌جمله از نوع صوت است، وجود دارد.

۱۴ گزینۀ ۴ بررسی گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: این بیت از آرایه جان‌بخشی خالی است و تنها در آن تضاد (پیدا، پنهان) دیده می‌شود.

گزینۀ «۲»: در این بیت گفتن، خواستن به غیرانسان نسبت داده شده است و آرایه «تشخیص» دارد، امّا آرایه «تضاد» ندارد.

گزینۀ «۳»: در این بیت خواندن به غیرانسان (دانه) نسبت داده شده است و آرایه «تشخیص» دارد، امّا «تضاد» در آن دیده نمی‌شود.

گزینۀ «۴»: در این بیت بین واژه‌های «روز» و «شب» تضاد وجود دارد. زائر بودن به غیرانسان نسبت داده شده است و آرایه «تشخیص» دارد.

۱۵ گزینۀ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۲»: نام تو (مشبه)، کلید (مشبه‌به) / گزینۀ «۳»: غنچه (مشبه)، لبخند (مشبه‌به)، باز شدن (وجه‌شبه) / گزینۀ «۴»: برگ درختان سبز (مشبه)، ورقه‌های دفتر (مشبه‌به)

۱۶ گزینۀ ۱ در بیت سؤال «گرم گفت‌وگو بودن» کنایه از «مشغول بودن» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۲»: «از گرد راه رسیدن» کنایه از «تازه از راه رسیدن» است. / گزینۀ «۳»: «دست کوتاه کردن» کنایه از «اجازه ندادن» است. / گزینۀ «۴»: «گرم کاری بودن» کنایه از «مشغول کاری بودن» است.

۱۷ گزینۀ ۴ جامی در «بهارستان»، قآنی در «پرشان» و همچنین قائم‌مقام فراهانی در «منشآت» از این اثر ارزشمند متأثر بوده‌اند.

۱۸ گزینۀ ۳

درس دوم: چشمه معرفت

۱ گزینۀ ۲ معنای درست واژه‌ها:

اعجاز: کاری شگفت و عجیب انجام دادن، معجزه

زلال: صاف و گوارا

مویه: شیون و زاری، ناله و گریه

۲ گزینۀ ۲ زوله به معنی فرزند و تقلاً به معنی کوشش و تلاش است.

۳ گزینۀ ۴ گالش نوعی کفش (کفش پلاستیکی) است.

۴ گزینۀ ۳ بررسی عبارت سؤال:

واژه قرغه نادرست و صورت درست آن غرقه است.

واژه جازبه نادرست و صورت درست آن جاذبه است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: مزاب ← مذاب

گزینۀ «۲»: تبعیت ← طبیعت / عضمت ← عظمت / لحضه ← لحظه

گزینۀ «۳»: نشات ← نشاط / زرت ← ذرت

گزینۀ «۴»: خیشاوند ← خویشاوند



پ) از جام عافیت می نابی نخورده‌ام / وز شاخ آرزو گل عیشی نچیده‌ام

← دو جمله

ت) ای اهل هنر قصه همین است که گفتیم / هان تا نفروشد یقینی به

شبه جمله از
نوع منادا
شبه جمله از
نوع صوت

← پنج جمله

۱۵) گزینه ۲) بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سه جمله دارد و هر سه جمله آن خبری است.

گزینه «۲»: دو جمله دارد و جمله اول سؤالی است.

گزینه «۳»: سه جمله دارد و هر سه جمله آن خبری است.

گزینه «۴»: سه جمله دارد و هر سه جمله خبری است.

۱۶) گزینه ۱)

در مکتب حقایق پیش ادیب عشق / هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

۵ ۴ ۳ ۲ ۱

شبه جمله
از نوع صوت از نوع منادا

دقت کنید که در شمارش تعداد جملات، علاوه بر شمارش فعل‌های بیت، شبه جمله‌ها؛ (چه منادا چه صوت) هر کدام یک جمله محسوب می‌شوند و البته اگر بعد از معنا کردن متوجه حذف فعلی شویم، باید آن را هم در شمارش یک جمله به حساب می‌آوریم.

منادا ← حتی اگر حرف ندا آمده و منادا حذف نشده
شبه جمله ← باشد و بالعکس، یک جمله محسوب می‌شود.
صوت ← کلماتی مانند آه، افسوس، آفرین، هیات، تبارک‌الله، ماشاءالله، هان، دریغ، آو، آری و ... یک جمله محسوب می‌شوند.

۱۷) گزینه ۳) بررسی آرایه‌های گزینه‌ها:

گزینه «۱»: کلاس شگفت آفرینش (تشبیه دارد)

مشبه به
مشبه

گزینه «۲»: برافراشتن دست و دعا کردن برای درختان تشخیص دارد.

گزینه «۳»: آب روح مذاپ امید و زندگی تشبیه دارد / راه رفتن و داشتن

مشبه
مشبه به

گام‌های استوار به آب نسبت داده شده است که تشخیص یا جان بخشی دارد.

گزینه «۴»: غرقه در چیزی بودن کنایه از بسیار فکر کردن است.

۱۸) گزینه ۴) بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: برگ درختان سبز دفتری است.

مشبه
مشبه به

گزینه «۲»: درختان همچون خاکیان

مشبه ادات تشبیه مشبه به

گزینه «۳»: جو ابر آب فشانم (من مانند ابر آب فشان هستم) /

ادات تشبیه
مشبه به
مشبه

روز جوانی جو برق

مشبه
ادات تشبیه
مشبه به

گزینه «۴»: تشبیه ندارد.

۵) گزینه ۱) املاي درست واژه در گزینه‌ها:

گزینه «۱»: احترام ← احترام / گزینه «۲»: نکته ← نقطه، نضر ←

نظر / گزینه «۳»: سفا ← صفا، خالغ ← خالق / گزینه «۴»: دوزه ←

زوزه / می خاست ← می خواست

۶) گزینه ۲) تحقیق ← حق / تفاخر ← افتخار / مخدوم ←

خدمت / خلاق ← مخلوق / اقامت ← مقام

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه «۱»: افتخار ← تفاخر

گزینه «۳»: فخر ← تفاخر

گزینه «۴»: خلق ← خلاق

۷) گزینه ۱) در این گزینه ارتباط واژه‌های اول و سوم هم خانواده است،

اما واژه‌های دوم هم خانواده نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: ارتباط هر سه جفت واژه، تضاد است.

گزینه «۳»: ارتباط هر سه جفت واژه، مفرد و جمع است.

گزینه «۴»: ارتباط هر سه جفت واژه، هم خانواده است.

۸) گزینه ۴) واژه طیف با لطیف هم خانواده نیست.

۹) گزینه ۳) زمین را خیش می‌کشید به معنای خراش انداختن زمین است.

۱۰) گزینه ۲) مفهوم کلی بیت سؤال و گزینه‌های «۱» و «۳» و «۴» و

آشکار بودن وجود خداوند در جهان است. ولی مفهوم گزینه «۲» بر

عاجز بودن انسان از شناخت خداوند تأکید دارد.

۱۱) گزینه ۱) مفهوم این دو بیت نشانه ذکر و تسبیح درختان برای

خداوند است.

۱۲) گزینه ۳) منظور شاعر از خاکیان ← انسان‌ها و از خاکدان ←

زمین است.

۱۳) گزینه ۳) بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دستم نداد قوت رفتن به پیش دوست / چندی به پای رفتم

و چندی به سر شدم ← سه جمله

گزینه «۲»: دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد / من نیز دل به باد دهم

هرچه باد باد ← سه جمله

گزینه «۳»: کجا خود شکر این نعمت گزارم / که زور مردم آزاری ندارم

← دو جمله

گزینه «۴»: چو ایران نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن

مباد ← سه جمله

۱۴) گزینه ۴) بررسی تعداد جملات ابیات:

الف) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیئات / غرقه در نیل چه اندیشه کند

باران را؟ ← سه جمله
شبه جمله از نوع صوت

ب) میوه نمی‌دهد به کس باغ تفرّج است و بس (است) / جز به نظر

شده است
فعل حذف شده است

نمی‌رسد سیب درخت قامتش ← چهار جمله


۱۹ گزینه ۲ بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: چشمه‌های معرفت (تشبیه دارد).
مشبه به / مشبه

گزینه «۲»: آب‌های فهم و دانایی (تشبیه دارد نه اغراق).
مشبه به / مشبه

گزینه «۳»: دهان‌داشتن به زمین و داشتن نگاه به درختان نسبت داده شده است. (تشخیص دارد)

گزینه «۴»: «کودکان گل‌بوته‌ها» تشبیه دارد و گوش‌داشتن به نسیم و آمین گفتن به بوته‌ها نسبت داده شده است و تشخیص دارد.
مشبه به / مشبه

۲۰ گزینه ۱

نسیم مانند مادر مهربان / آموختن به نسیم نسبت داده شده
مشبه ادات تشبیه / مشبه به وجه‌شبه

و تشخیص دارد. همچنین سر داشتن به نهال‌ها و خداحافظی کردن به نهال‌ها و بوته نسبت داده شده است و تشخیص دارد.

۲۱ گزینه ۴ بررسی عبارت:

دست‌برافراشتن و دعا کردن به درختان، گوش‌داشتن به نسیم و



آمین گفتن به گل‌بوته‌ها نسبت داده شده است.


۲۲ گزینه ۲

گزینه ۱ طاهره ایبُد در زمینه ادبیات کودک و نوجوان آثاری دارد به نام «باغچه توی گلدان» و «به هوای گل سرخ».

گزینه ۳ باغچه توی گلدان اثر طاهره ایبُد است.

درس سوم: نسل آینده‌ساز

۱ گزینه ۲ شعور: درک و فهم / بالیدن: فخر کردن، رشد کردن / به‌رغم: برخلاف، وارونه / هیئت: گروه، دسته، جمع
در گزینه «۱» معنای واژه‌ها به ترتیب ذکر نشده‌اند.

۲ گزینه ۲ صلاح: درستی / استحکامات: بناها و موانعی که برای دفع دشمنان می‌سازند.

۳ گزینه ۳ معانی واژه «استعداد» عبارت‌اند از «توانایی و قابلیت»

۴ گزینه ۴ مقتدر به معنی توانا و قدرتمند است و در این گزینه واژه توانا دیده می‌شود.

۵ گزینه ۲ مایعۀ افتخار ← مایۀ افتخار

۶ گزینه ۳ رعیس ← رئیس / انهراف ← انحراف / وطم ← وضع

۷ گزینه ۴ صلاح به معنی درستی و سلاح به معنی ابزار جنگ و صداقت از نظر املائی درست است.

۸ گزینه ۲ در عبارت سؤال، واژه‌های «اوایل و اول» جمع و مفرد، واژه‌های «والا و ذلیل» متضاد و واژه‌های «محرور و محترم» هم‌خانواده‌اند.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱» ← والا و عالی مترادف هستند و متضاد نیستند.

گزینه «۳» ← مقتدر و قدرت هم‌خانواده‌اند.

گزینه «۴» ← هوشمند و نادان متضاد هستند نه جمع و مفرد / جوامع و جامعه، جمع و مفرد هستند نه متضاد.

۹ گزینه ۴ بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: رئوس ← جمع رأس / گزینه «۲»: مصالح ← جمع صلاح / گزینه «۳»: حوائج ← جمع حاجت / گزینه «۴»: وصال جمع واژه‌ای نیست.

۱۰ گزینه ۳ بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: محسن، احسان هم‌خانواده‌اند.

گزینه «۲»: لطیف، لطف هم‌خانواده‌اند.

گزینه «۳»: سلمی، سلامت، سلام هم‌خانواده‌اند.

گزینه «۴»: مخلوق، خلقت

۱۱ گزینه ۲ غریب، قریب هم‌آوا هستند؛ غریب به معنای بیگانه و قریب به معنای نزدیک است.

۱۲ گزینه ۳ مفهوم بیت سؤال به دور بودن بی‌ادب از بخشش خداوند اشاره دارد و مفهوم گزینه «۳» هم به همین نکته اشاره کرده است.

۱۳ گزینه ۲ مفهوم بیت این است که انسان فقط باید به یاد خداوند باشد.

۱۴ گزینه ۱ منظور از قطره دانش علم محدود و اندک انسان و منظور از دریاهاى خویش، علم بی‌پایان خداوند است.

۱۵ گزینه ۴ شاعر می‌گوید چون تو با مایی، هیچ غمی نیست و از دام‌ها (گمراهی‌ها) رهایی می‌یابیم / پس همراه بودن با خدا راه دوری از گمراهی است.

۱۶ گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: می‌رود

گزینه «۳»: برآید

گزینه «۴»: می‌گوید

۱۷ گزینه ۴ بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: رسید، برید، رسید / گزینه «۲»: بخشیدی، متصل گردان / گزینه «۳»: بد داشت، آتش زد

گزینه «۴»: شتاب مکن، افتادی، برآمد، رفت

۱۸ گزینه ۱ «هستند» و «است» فعل‌های این عبارت است.

توجه داشته باشید که فکر کردن، دریافتن، تحلیل کردن مصدر هستند و مصدرها فعل محسوب نمی‌شوند.

۱۹ گزینه ۳ گفتم، نگشوده‌ام، بوده‌ام، گفتم، فرموده‌ام، طزاری کند

